

قضاوت نهائی با تاریخ خواهد بود!

این برای اولین بار نیست، و برای آخرین بار هم نخواهد بود، که تودهای را به مسلخ می‌برند! این برای اولین بار نیست، و برای آخرین بار هم نخواهد بود، که تودهای را قربانی می‌کنند، تا منافع زحمتکشان میهن ما را در پیش پای غارتگران داخلی و حامیان خارجی آن‌ها، فدا کنند!

این اولین بار نیست، و برای آخرین بار هم نخواهد بود، که بمنظور پوشاندن چهره زشت خفقان حاکم، به صورت تودهای‌ها جنگ بزنند و به قصد پرده پوشی ناپسامانی‌ها، به چشم مدافعان طبقات زحمتکش شهر و ده میهن ما میل بکشند! و به این منظور از تهمت‌های امپریالیسم و ساواک ساخته "جاسوسی" و "امثالهم" استفاده کنند.

در تمام طول حیات افتخار آفرین ۴۲ ساله حزب توده ایران، حزب طراز نویسن طبقه کارگر ایران، این واقعیت دیده می‌شود، که دشمنان و مخالفان آن، همواره برای پرده پوشی بحران رژیم خود با اصطلاح "خروج" از بن بست تاریخی دچار شده، به جو توده ستیزی دامن زده‌اند و به سرکوب و کشتار تودهای‌ها - این میهن دوستان واقعی و پیگیر دست‌زد ماند - چنین شیوه دد منشانه را ارتجاع تمام کشورها علیه کمونیست‌ها بکار برد مانده و می‌برند.

رژیم سرنگ شده شاه، بارها به این جنایت دست زد.

رژیم برافکنده شاه هزاران نفر از بهترین فرزندان خلقهای آذربایجان و کردستان را به خاک و خون کشید، تا حاکمیت جابرانه خود و تسلط شوم امپریالیستی را بر میهن ما استوار سازد. شاه معدوم حزب ما را "غیر-حکومتی" اعلام کرد.

بقیه در صفحه ۶

راه توده

شهر مولان حزب تودگان در طرح از کشور

جمعه ۴ شهریور ۱۳۶۲ مطابق ۱۲ ذیحده ۱۴۰۳ و ۱۶ اوت ۱۹۸۳
سال دوم شمسی ۵۶
پهنا: ۴۰ سانتی‌متر

بیست و هشتمین سالگرد شهادت ۶ افسر توده‌ای خاطره تابناک شهیدان راه استقلال، آزادی و ترقی ایران جاودان باد!

دیباچه خون ه. ا. سایه در صفحه ۳

چگونه مصالح ملی فدای جلب حمایت امپریالیسم شد

مدتی است، روزنامه "اطلاعات" سلسله مقالاتی زیر عنوان "دستاوردهای انقلاب" منتشر می‌سازد. در یکی از این مقالات ماجرای قطع فروش گاز به اتحاد شوروی در زمان دولت موقت "بمنابه" یکی از این دستاوردها ارزیابی می‌شود. نگارنده مقاله بعنوان وکیل مدافع "دولت موقت" عرض اندام می‌کند، وی قطع صدور گاز را، که در شرایط مشخص آن روزها بحلیل فراوان، و از آنجمله محاصره اقتصادی ایران از جانب آمریکا و همدستانش در پیمان تجاویز کار "ناتو" و نیز کاهش صادرات نفت و از همه مهمتر، عدم امکان فروش گاز به دیگر کشورها و یا مصرف آن در داخل، کاملاً بضر ایران بود، می‌کند. بقیه در صفحه ۴

خلق رانمی توان با صدای طبل تو خالی به گمراهی کشاند!

" مبارزه " دن کیشوت وار با "انجمن حجتیه" - که تیلور قشر بندی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است - در مطبوعات مجاز ایران، در نطق‌ها و مصاحبه‌های مسئولان دولتی و غیر دولتی جمهوری اسلامی ایران سخت بالا گرفته است.

تیلیخات رسمی جمهوری اسلامی ایران، از آن صحبت می‌کند، که پس از مبارزه با چپ، اکنون نوبت "راست" رسیده است. و با استفاده از این تیلیخات می‌خواهد به مردم القا کند، که گویا "خط" سالم و در "خدمت و کمالات" به مستضعفان "براصصال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران حاکم است. آنها می‌خواهند به این وسیله خود را به عنوان يك نیروی مافوق طبقاتی، که گویا مصالح کل جامعه را در نظر دارد عنوان کنند و مطرح سازند.

همدانی و همسویی این تیلیخات در ایران و خارج از ایران توجه ناظران بین‌المللی را نیز بخود جلب کرده است. رسانه‌های گروهی غربی نیز همزمان با این "مبارزه" در چند هفته قبل نوشتند "که پس از سرکوب حزب توده (ایران) مقامات رهبری جمهوری اسلامی به "انجمن حجتیه اعلام جنگ" داده است و قصد "شکستن پای" آنها را دارد.

اما چه کسی است، که نبیند و نداند، که کوبیدن بر طبل تو خالی "مبارزه با انجمن حجتیه" تا چه حدی محتوا است! این سرو و بقیه در صفحه ۱۴

شرکت روزافزون محافل مترقی بین‌المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

اقتصادی، ترور سیاسی را می‌طلبند. مدافعان حقوق زحمتکشان را نه تنها به غل و زنجیر می‌کشند، بلکه "محاکمه و مجازات قریب الوقوع" آنان را وده می‌دهند. در این رابطه است که وظیفه ما و آزادخواهان جهان، روز بروز سنگین تر میشود. باید موج همبستگی با زندانیان توده‌ای را باز هم گسترش بخشیم و با آزاد ساختن یاران و قوادار خلق و پیشبرد انقلاب، بخواست تودهای میلیونی پاسخ دهیم.

● روزنامه‌های قبرس، بدیج آخرین اخبار در مورد دستگیری اعضای حزب توده، ایسبران و گسترش همبستگی با زندانیان توده ای پرداخته‌اند.

بقیه در صفحه ۵

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

بیانیه سندیکاهای کارگران خیاط، بافنده سوزنی و کفاش خطاب به کارگران صنوف

دوستان کارگرا!

هر روز که میگذرد خطرات و دشواریهای بیشتری زندگی ما کارگران را تهدید میکند. رکود رفته در کار تولید بویژه در کارگاههای صنوف و سیل بیگاری و اخراج، امکان فراهم کردن حداقل وسایل معیشت را از ما کارگران سلب میسازد. سطح دستمزدهای ما طبق تصمیمات وزارت کار ثابت مانده در حالیکه قیمت کالاها و مواد مصرفی مورد نیاز روز بروز بالا رفته و همچنان روبه افزایش است همزمان با این نارساییها مشکل مسکن نیز قوز بالا قوز شده و آوارگی و دریدری را به ما تحمیل میکند. با این فشار روز افزون که به ما و خانواده های ما وارد میشود به دلیل عدم برخورداری از بهداشت و بیبیه و درمان، بیماری و فقر، زندگی و حیات عزیزان و چکرگوشکان ما را بخطر انداخته است. حق آزادی تشکیل "انجمنهای صنفی" که اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آنرا تعیین کرده است از مدتها قبل توسط مسئولان اجرایی بویژه وزارت کار از ما سلب شده است.

با اشغال محل فعالیت قانونی ما و عدم رسیدگی به شکایات متعددی که به مقامات مملکت تسلیم داشته ایم امکان گرد همایی را که بیشتر به دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن اختصاص داشت از ما گرفتند با همه تلاشی که در این چند سال بعد از انقلاب بعفل آوردیم هیچ مقام و مرجعی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران پیدا نشد که به درد دل ما مصیبت - دیدگان که همه چیز خود را نثار انقلاب ساختن ما رسیدگی کند.

از آنطرف میوه چنان انقلاب که بسیاری از آنان سوابق مشکوکی داشته و به دشمنی کهن - تروانه با انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می - پرداختند در بیجا مشاغل و پستهای مهم مملکت را در اختیار گرفته و با توطئه های گوناگون از جمله آزاد کردن دست سرمایه دازان بسزرگ برای تشکیل "اتاقها"، اتحادیه ها و تعاونی ها و سایر تشکلهای تروریسم اقتصادی و در نتیجه احتکار و گرانی را عالم و عابد بر جامعه انقلابی ما تحمیل کردند و درست از همینجا ضربه را به همه دستاوردهای انقلاب از جمله

قانون اساسی آن وارد ساخته و میسازند. بسا دلایل ذکر شده و بسیاری از رویداد های دیگر که در این بیانیه نیامده فقر و محرومیت تسود ه های میلیونی زحمتکشان از یکسو و انباشت ثروت بیکران غارتگران و استثمارگران از سوی دیگر عده مسائلی است که حفظ دستاوردهای انقلاب راه که ما زحمتکشان خونهای فراقوانی برای آن ریخته ایم به خطر انداخته است.

دوستان کارگرا!

کلیه این رویداد ها توسط کسانی علیه مردم مستضعف ما صورت می - گیرد که ما موریت دارند راه را برای بازگشت امپری - یالیسم بویژه شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار به ایران هموار سازند و در واقع ما را آنچنان بیه مرگی گفته اند که به تب راضی شویم "در همین رابطه است که سرمایه داران و مالکان بزرگ فزاری به میهن مراجعت میکنند و سرمایه ها و زمینها و اموال مصادره شده به آنان تحویل میشود و اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مظلومانه به زنجیر فراموشی کشیده میشود همانگونه که اصل ۴۴ قانون اساسی را قبلا بیه بند کشیدند و قدرت "بخش خصوصی" را بر - بخشهای دولتی و تعاونی غالب کردند.

ما کارگران هشدار میدهم که دیگر شعار و وعده کافی است مردم دیگری این وعده ها اعتماد ندارند چون عملا به - حقیقت دست - یافته اند. مگر اعلام نشده که قوانین طاغوتی اعتبار ندارد؟ بعد از لغو این قوانین ظاهرا تصور این بود که قوانین طاغوتی بسود مستضعفان تخیر خواهد یافت ولی ما عملا دیدیم که ماده ۳۳ قانون کبار طاغوتی دو قسمت شده یک بخش آن که مربوط به اخراج کارگران با تصمیم یک جانبه کارفرمایان بود اعتبار خود را حفظ کرد و بخش دیگر آن که مربوط به پرداخت خسارت اخراج به کارگران بود لغو شد و هیئت های حل اختلاف برچیده شد و پس از مبارزات طولانی کارگران هیئت های تازه ای که دستپخت تهیه کنندگان پیش - نویس قانون کاره که از قانون کار زمان طاغوت هم بدتر است، بود، شکل گرفت.

حق برخورداری از تشکیل سندیکاهای اتحادیه ها که در قانون کار طاغوتی از طرف کارگران تحمیل شده بود (همچنین در قانون اساسی ایران نیز تحقق یافته است) نیز به

د و بخش شده برای سرمایه داران و کارفرمایان آزاد و برای کارگران منوع اعلام شد. تعیین حداقل دستمزدها که در قانون کار طاغوت ذکر شده است بطور کلی کنار گذاشته شد و در حال حاضر بیش از دو سال است که دستمزدها ثابت مانده است. سود و بهره هری از کار و طبقه بندی مشاغل و ایمنی و بهداشت محیط کار و دهها مورد دیگر که کارگران با مبارزات طولانی و نثار جان خود بدست آورده بودند همگی به بهانه لغو قوانین طاغوتی به فراموشی سپرده شد و دست کارفرمایان برای استثمار بیشتر کارگران و بکارگیری غیرقانونی کودکان در کار - گاهها و تبعیض و نابرابری حقوق زنان کارگر و دهها مورد دیگر باز گذاشته شد.

آری دوستان علاوه بر اینکه قوانین گذشته را همانطور که گفتیم تقسیم کردند تزییقات دیگری نیز برای کارگران فراهم نمودند گشتار متلاشی کردن تعدادی تعاونی کارگری پرداخت مبلغ ده هزار ریال برای هر عضو تعاونی مصرف کارگران به صندوق اتحادیه امکان از جمله این تزییقات است که در صورت عدم پرداخت این مبلغ اتحادیه امکان از تحول کالا به تعاونیها خودداری خواهد کرد (اگر چه با پرداختی همین مبلغ نیز کالاها اساسی به تعاونیهای کارگران تحول نمی شود) اما اگر قرار باشد همه این مشکلات و نارساییها راه که بر سر ما کارگران آورده اند بیان کنیم صفحات طولانی را پر خواهد کرد با ذکر همین مختصر به آن بخش از مسئولان جمهوری اسلامی ایران که به انقلاب و حفظ دستاوردهای آن وفادار مانده اند و هنوز هم برای تحقق اهداف انقلاب به سود مستضعفان همانگونه که در مقدمه و اصول قانون اساسی آمده است تلاش میکنند تأکید میکنیم که تلاشهای خود را صد چندان سازند و پیوند خود را بسا کارگران مستحکم کنند. توطئه های عوامل طرفدار سرمایه داران و زمینداران بزرگ را در حاکمیت برای مردم افشا سازند. همچنین به همه کارگران اصرار میروزیم که عهد و پیمان وحدت و طلبانه خود را بیش از پیش محکم سازند و برای مقابله با توطئه های براندازی و سلب بیشتر آزادیها و فشار و اختناق به دفاع و تقویت تشکلهای صنفی و تعاونیها در جریان کار و زندگی محرومان آماده شوند.

● برقرار باد اتحاد و یکپارچگی کارگران و زحمتکشان ایران!

● ننگ و فقرت بر امپریالیسم و نوکران و سرسپردگان رنگارنگ و مدافعان آنان!

چگونه مصالح ملی فدای جلب حمایت امپریالیسم شد

بقیه از صفحه ۱

اقدام انقلابی و پاسخگوی سیاست باصطلاح "نه شرقی، نه غربی" معرفی می‌کند.

آیا این نظر صحیح است؟ برای پاسخ مستدل باید به ارقام و اسناد مراجعه کرد. ولی نویسنده "اطلاعات"، مانند دیگر همکارانش، بی‌پشتوانه قلم می‌زند و سفسطه را جایگزین منطق و استدلال می‌کند. استدلال وی چنین است: "اینکه علیرغم شعار برحق انقلاب، که همه است فریاد می‌زدند و فریاد می‌زدند که: "نه شرقی، نه غربی" جمهوری اسلامی، "غریب‌پسا و بی‌خصوص آمریکا برای کم کردن جاذبه انقلاب در بین مسلمانان و مستضعفان تبلیغ می‌کند، که جمهوری اسلامی ایران بطرف شرق و شوروی گرایش دارد! یعنی از هویت اسلامی خالص برخوردار نیست." بهمین سبب، به نوشته نگارنده، "ایران در همان زمان، که در محاصره اقتصادی از جانب آمریکا و غرب بود، جریان گاز خود را به سوی شوروی بست سپس وی می‌افزاید:

اینها (غریبها) و دهنها نمونه دیگر مواضع قاطع ایران را، که همگی حکایت از سیاست نه شرقی، نه غربی می‌کردند، یدیه می‌گیرند و باز هم تبلیغ می‌کنند، که ایران گرایش به شوروی دارد! مگر نمی‌بینید که حزب توده آزاد است، درست در اوج این جنجالها بود، که ناگهان مردم دنیا دیدند، که تمامی خیرگزاریهای جهان محاصره کردند، که سران حزب توده، ایران بازداشت شدند... ("اطلاعات"، ۲۹۴، تیرماه ۱۳۲۲).

خیانت به منافع ملی ایران

چنانکه ملاحظه می‌شود، نویسنده با طرح نظراتی، که ما به تفصیل نقل کردیم، دانسته و یا ندانسته ماهیت سیاست رژیم را قاش میسازد. وی صریحا و بی‌پرده اعتراف می‌کند، که هدف از قطع فروش گاز به اتحاد شوروی نه دفاع از منافع ایران، بل اثبات آن بوده، که جمهوری اسلامی بسوی "شرق" و "شوروی" گرایش ندارد. سران جمهوری اسلامی در مقابل چه کسانی خود را تبرئه می‌کردند؟ او می‌نویسد، در مقابل "غربی‌ها و بخصوص آمریکا". به بیان دیگر، مصالح ملی ایران قربانی جلب حمایت امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، گردید. ولی به نوشته نگارنده مقاله امپریالیست‌ها به این "مختصر" قانع نبودند و این عمل سران رژیم را نادیده گرفتند و باز هم تبلیغ کردند که "ایران گرایش به شوروی دارد". در اینجا باید، که دولت گام ضد ملی دوم را برای ارطای امپریالیسم لیسم برداشت و هزاران نفر از اعضای جیب‌سبب توده، ایران را بازداشت کرد. نگارنده مقاله در این مورد هم بی‌پرده سخن می‌گوید: او می‌نویسد، این بار غریبها و بخصوص آمریکا آزادی حزب توده، ایران را دلیل "گرایش بی‌شوروی" می‌دانستند و بهمین دلیل هم یورش وحشیانه به حزب توده، ایران آغاز شد. آیا هر دو واقعه، اقدام سران جمهوری اسلامی دلیل

باز تبعیت دانسته یا ندانسته از امپال قارتگرانه امپریالیسم نیست؟ از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت، سیاست "نه شرقی، نه غربی"، آنگونه که تا کنون اجرا شده است، بطور عده چیزی جز خود شیرینی برای "غرب" و مغازه با امپریالیسم نبوده است.

تاریخچه صدور گاز

باید خاطر نشان ساخت، که تنها نویسنده مقاله فوق‌الذکر موضوع گاز را مطرح نمی‌کند. در این و آخر تنی چند از دولتمردان و نمایندگان مجلس نیز در این باره سخن گفته‌اند. آنان، برای پرده پوشی هدف اساسی، مسئله "نازل بودن" قیمت گاز صادراتی را نیز مطرح می‌سازند. برای بررسی این موضوع ما سعی می‌کنیم، همسرا خوانندگان تاریخچه تولید گاز و مسئله صدور آنرا ورق بزنیم.

ایران یکی از کشورهای نادر دارنده منابع عظیم نفت و بویژه گاز است. برای بی بردن به اهمیت این دو ماده انرژی را کافیست، خاطر نشان سازیم، که زندگی بشر در دوران ما بدون نفت و گاز قابل تصور نیست. نفت و گاز چنان در شئون زندگی معاصر رسوخ کرده است، که فقدان آنها، سبب طغی تعدن جهانی را قوت می‌بخشد. به عقب برمی‌گرداند. هر انسانی در هر کشوری از جهان، بدون اینکه خود واقف باشد، با نفت و گاز سروکار دارد. نفت و گاز، یعنی مسواک اولیه صنایع و از آنجمله صنایع پتروشیمی، نفت و گاز نیروی محرکه وسائط نقلیه و قدرت محرکه نیروگاههای حرارتی اند. در این نوشتار ما فقط مسائل مربوط به گاز را مورد کتکاش قرار می‌دهیم.

طبق آخرین آمار که از مبلومات خارجی استخراج کرده‌ایم، ذخائر کشف شده گاز ایران در اول سال ۱۹۸۲، بالغ بر ۱۳/۷ تریلیون متر مکعب بود. سهم ایران در کل ذخائر کشف شده گاز جهان سرمایه‌داری به ۳۰ درصد می‌رسد. از این لحاظ ایران پس از اتحاد شوروی مقام دوم را در جهان دارد. بدیهی است، که در اینجا بطور عده از گاز طبیعی سخن می‌رود و تولید آن در ایران اندک است. و اما گاز مورد بحث نویسنده مقاله در "اطلاعات" گاز همراه نفت است، یعنی گازی، که بهنگام استخراج نفت خام همراه آن از چاه نفت فوران می‌کند. تولید گاز همراه نفت در ایران تا ریخ ۷۰ ساله دارد. ۷۰ سال نفت از چاههای نفت فوران میکند و ۷۰ سال است، که بخش عده آن در سر چاههای نفت سوزانده شده است و از بین می‌رود.

اهمیت نفت و گاز ایران

همه می‌دانند، که در دوران فرمانروایی رژیم

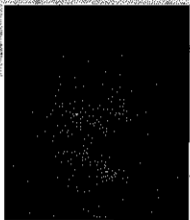
مخلوع مهمترین وسیله فارتگری و سبطره امپریالیسم در کشور ما تسلط بر صنایع نفت، بزرگترین رشته صنعتی و شریان حیاتی ایران، بود. اکثر پیش از ملی شدن صنایع نفت فقط یک کمپانی خارجی بریتانیایی به بهره‌کشی از منابع نفتی ایران مشغول بود، بعد از کودتای ۲۸ مرداد شماره انحصارهای خارجی مسلط بر منطقه قرارداد شرکت سابق نفت ایران و انگلیس به ۳ رسید. یعنی فارت و استعمار جمعی چند کشوری جانشین استعمار یک کشوری شد. ولی رژیم مخلوع به اینهم اکتفا نکرد. در سالهای پس از کودتا واگذاری امتیاز به گروههای جدید انحصاری مرکب از ۳۰ کمپانی خصوصی و دولتی کشورهای سرمایه‌داری غرب، ادامه یافت. این گروهها مجموعا مساحت به مناطقی بیش از ۱/۶ میلیون کیلومتر مربع را در اختیار گرفتند و بدینسان، تعداد کمپانیهای نفتی متعلق به ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه، هلند، آلمان غربی، ژاپن، ایتالیا، اسپانیا، بلژیک و اتریش در ایران به ۵۰ رسید. این هجوم سرمایه‌انحصاری خارجی به مهمترین رشته صنعتی کشور وابستگی ایران را به جهان سرمایه‌داری و به انحصارهای نفتخوار بیش از پیش شدت بخشید. با گسترش نفوذ انحصارهای خارجی تولید نفت خام، آلا گاز همراه آن نیز رونق بیشتری گرفت. در سال ۱۹۷۵ سهم تولید نفت خام ایران در کل تولید جهانی ۹/۹ درصد، در کل تولید خارمیانه و نزدیک ۲۷/۶ درصد و در کل تولید کشورهای عضو "اوپک" ۱۹/۸ درصد بود. در تقسیم کار بین‌المللی سرمایه‌داری تأمین سوخت ارزان قیمت (در سال ۱۹۷۵ قیمت اعلان شده هر بشکه نفت خام ۲/۶ دلار بفروش می‌رسید و هنوز قیمت نفت افزایش نیافته بود، که برای رشد صنایع کشورهای امپریالیستی بعهدہ ایران و کشورهای نظیر آن گذارده شد.

در همان سال تولید نفت خام به ۲۶۲/۹ میلیون تن و تولید گاز به ۴۴/۵ میلیارد متر مکعب بالغ گردید. بخش عظیم نفت مانند گذشته بشکل خام به کشورهای امپریالیستی صادر می‌شد. چرا؟ زیرا انحصارهای نفتخوار حاکم بر صنایع نفت ایران از احداث صنایع مشتق از نفت در ایران جلوگیری می‌کردند. آنها حتی حاضر نشدند در ایجاد پالایشگاههای نفت در ایران سرمایه‌گذاری کنند. در سال ۱۹۷۵ از ۲۶۲/۹ میلیون تن نفت خام تولید شده، ۲۳۰ میلیون تن آن صادر و فقط حدود ۳۴ میلیون تن آن تحویل پالایشگاههای موجود در ایران گردید. در حالیکه به حساب نفت خام ایران و کشورهای منطقه انواع صنایع مدرن پتروشیمی در کشورهای غربی و ژاپن برای تولید فرآوردهای نفتی ایجاد می‌گردد، کشور ما می‌بایست نه تنها فرآوردههای گوناگون تولید شده از نفت، بلکه در مواردی روشن و مشهور برخی انواع بنزین را به قیمت گران از انحصارهای

بقیه در صفحه ۱۰



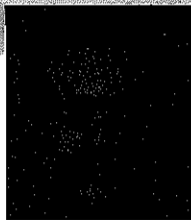
ستوان سوم هوایی
اسدالله نصیری



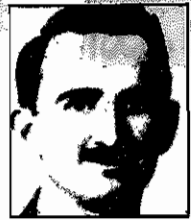
ستوان یکم هوایی
حسین مرزوان



ستوان یکم هوایی
منوچهر مختاری گلپایگانی



سرگرد پیاده
ارسطو سروشیان



سرگرد هوایی
رحیم بهزاد



سروان مهندس
اسمعیل محققزاده

بیست و هشتمین سالگرد شهادت ۶ افسر توده‌ای خاطره تابناک شهیدان راه استقلال، آزادی و ترقی ایران جاودان باد!

۲۸ سال پیش، سحرگاه ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ پیکر شش قهرمان راه آزادی، استقلال و رفاه مردم زحمتکش ایران: سروان مهندس اسمعیل محقق زاده، سرگرد هوایی رحیم بهزاد، سرگرد پیاده ارسطو سروشیان، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری گلپایگانی، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان و ستوان سوم هوایی اسدالله نصیری، بدست عمال جنایتکار رژیم ننگین آریامهری به خاک افتاد. امروز، که ۲۸ سال از آن جنایت فجیع رژیم دست پرورده "امپریالیسم می‌گذرد، شاه جنایت‌پیشه و بسپاری از سران رژیم تنبکاش با ننگ ابدی زیر خاکند.

حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، که از تاریخ عبرت نگرفته است، با پشت پا زدن به خون ده‌ها هزار شهید انقلاب، درصدد تکرار جنایات شاه در ابعاد بزرگتر در مورد توده‌ایها، این فرزندان راستین خلق زحمتکش ایران، است. غافل از اینکه با شکنجه و تیرباران میهن پرستان توده‌ای، قادر به خاموش کردن صدای حق طلبانه حزب ما نبوده و جز ننگ ابدی نصیبی نخواهند برد. سخنان رفیق شهید منوچهر مختاری، قبل از شهادت، زبان حال همه توده‌ایهاست. وی در نامه‌ای به حزب خود نوشت:

"از تیرباران نمی‌ترسم. با این که به زندگی و زیبایی آن بسیار علاقمندم، اما این علاقه آنچنان لکه ابر تاریکی را تشکیل نمیدهد که آفتاب درخشان حقیقت را نپینم. اکنون که در پای میدان اعدام قرار دارم تنها و تنها به مردم می‌اندیشم. با دلی شاد و پر امید گلوله را در دل خود جای خواهم داد و تا آخرین لحظه که گلوله‌ها قلبم را خواهد شکافت، افتخار پیوستگی‌ام را به خلق چون پتک سنگین بر مغز دشمنان می‌کوبم. با مرگ من فقط وظایف من است که پایان می‌پذیرد."

دیباجه خون

نه، هراسی نیست.
من هزاران بار
تیرباران شده‌ام!
و هزاران بار
دل زیبای مرا از دار آویخته‌اند!
و هزاران بار
با شهیدان تمام تاریخ
خون جوشان مرا
بزمین ریخته‌اند!

باز چون پرچم فتح
قامت افراشته‌ام.

آه، ای آزادی!
دیرگاهی است که از اندونزی تا شیلی
خاک این دشت جگرسوخته با خون تو می‌آمیزد!
دیرگاهی است که از پیکر مجروح فلسطین شب و روز
خون من می‌ریزد!
و هنوز از لبنان
دود پیرمی‌خیزد.

سرگذشت دل من
زندگینامه انسان است
که لبش دوخته‌اند
زندگیش سوخته‌اند
و به‌دانش زده‌اند...

سال‌ها پیش، مرا با کیوان کشتند.
شاه هرروز مرا می‌گشت!

و هنوز
دست شاهانه دراز است پی‌کشتن من!
هم از آن دست پلید است که در خوزستان
در هویزه بستان سوسنگرد
این‌چنین در خون آغشته شدم!

آه، ای بابک خرم‌دین
تو لومومبا را می‌دید!
و لومومبا می‌دید
مرگ خونین مرا در بلیوی!
راز سرسبزی حلاج این است
ریشه در خون شستن
باز از خون رستن!

و همین دیروز
پشت دروازه خرمشهر
با مسلمان جوانی،
که خط پشت لبش

در ویت‌نام، هزاران بار
زیر تیغ جلاذ
زخم برداشته‌ام.
و اندر آن آتش و خون

تازه سبزی می‌زد،
کشته شدم!

نه، هراسی نیست.
خون ما راه دراز بشریت را گلگون کردست.
دست تاریخ ظفرنامه انسان را
زیب دیباجه خون کردست!

آری از مرگ هراسی نیست.
مرگ در میدان این آرزوی هر مرد است.
من دلم از دشمن‌کام شدن می‌سوزد!
مرگ با دشمن دوست؟
دوستان! این درد است.

نه، هراسی نیست.
پیش ما ساده‌ترین مسئله‌ای مرگ است.
مرگ! سهل‌تر از کندن یک برگ است.
من به‌این باغ می‌اندیشم
که یکی پشت‌دوش با تبری نیز کمین کردست!

دوستان گوش کنید!
مرگ من مرگ شماست.
مگذارید شما را بکشند
مگذارید که من بار دگر
در شما کشته شوم.

ه. ا. سایه

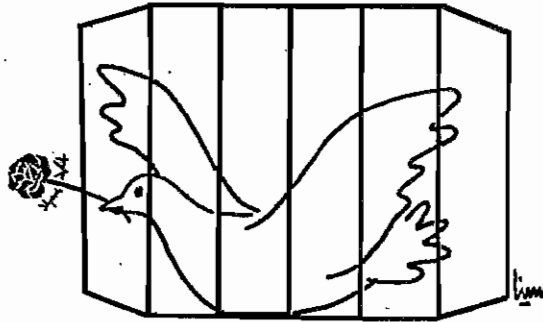
تهران - خرداد ۱۳۶۱

شرکت روزافزون محافل مرفقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

دارند. ولی دمکراتهای جهان و نیز مردم آزاد، ایران بخوبی میدانند که غیرقانونی اعلام نمودن فعالیت حزب توده، ایران و شکنجه و کشتار رهبران و اعضای این حزب، عملاً نقض مواد قانون اساسی ایران در رابطه با آزادیهای بقیه از صفحه ۱۵

ارتجاع و امپریالیسم رزمیده و در پاسداری از انقلاب ایران فداکاریها نموده‌اند، اعتراض می‌کنیم و مقامات مسئول ایران، این امر را "دخالت نابخشودنی در امور داخلی کشور" قلمداد می‌کنند و عملاً با باز پرس فرستادن نامه اعتراضی ما، قصد جلوگیری از ابلاغ نظرات ما به مردم ایران را

بقیه از صفحه ۱
روزنامه "فروسی"، در روزهای دوم و هفتم اوت (یازدهم و شانزدهم تیرماه)، ضمن اشاره به خبر دستگیری ۵۰ نفر دیگر از اعضای حزب توده، ایران و نقل قول از فرمانده "سپاه پاسداران در این مورد، مبتنی بر اینکه تا کنون ۸۰۰۰ تن از اعضای حزب بازداشت شده‌اند، اقدام به چاپ پوستری از هواداران حزب توده، ایران در مورد زندانیان توده‌ای و طرح خواست دمکراتهای قبرس در مورد اعزام هیأتی بین المللی، مرکب از پزشکان و حقوقدانان به ایران، جهت بازدید از مبارزین در بند و عیان ساختن حقایقی که در سیاهچالهای جمهوری اسلامی میگردد، برای افکار عمومی در جهان، نمود ماند.



با آزادی مبارزین توده‌ای، از روند نابودی انقلاب جلوگیری کنید!

اتحادیه کارکنان بانکهای ایالت مادیا پرارش در هندوستان در تاریخ نوزدهم آوریل (۳۰ فروردین)، نامه‌ای اعتراضی نسبت به دستگیری رهبران و اعضای حزب توده، ایران، به سفارت جمهوری اسلامی در دهلج ارسال کرده بود. این نامه همراه با جوابی از طرف سفارت بازگردانده شد. طبیعی است که پاسخ سفارت به اعتراض این اتحادیه، کافی‌السابق، اظهار ناراحتی از "مداخله نابخشودنی در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران" توسط آن اتحادیه بود.

اتحادیه کارکنان بانک، مجدداً، نامه‌ای در رابطه با مسأله شکنجه رهبران و اعضای حزب توده، ایران و اعمال تضيیقات در مورد حزب تهیه کرد و در تاریخ بیست و یکم ژوئیه (سی‌ام تیرماه) بآدرس سفارتخانه در دهلج ارسال نمود. در زیر، توجیه خوانندگان را به بخشهایی از این نامه جلب می‌کنیم:

" مردم دنیا وظیفه خود میدانند که به نقض حقوق بشر در هر گوشه‌ای از جهان، اعتراض نمایند. بعنوان مثال، اعتراض به سیاست تبعیض نژادی دولت آفریقای جنوبی، انتقاد به دولت آمریکا، بخاطر آزار سیاهپوستان و سرخ پوستان، محکوم کردن نقض آزادیهای دمکراتیک در پاکستان و... از طرف افکار عمومی بین المللی و فشار باین دولتها، جهت رعایت حقوق بشر، طبق موازین بین المللی مجاز بوده و بپایه مداخله در امور داخلی این کشورها تلقی نمیگردد.

بخاطر پشتیبانی از مردم ایران و مبارزات خلق قهرمان این کشور علیه دیکتاتوری شاه و امپریالیسم جهانی، به اعمال روشهای وحشیانه در مورد توده‌ایها که همواره در صف اول علیه

مهلکترین توطئه آمریکا برای به زانو درآوردن انقلاب

از تحلیل سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر) - ۱۳۶۲

است، در راه خفتی کردن نتایج این توطئه آمریکا که همه هستی انقلاب ما را زیر ضربه خود دارد پیشنهاد کرده‌اند. هیئتیی از ناظران بیطرف حقوقی و پزشکان و کارشناسان بیطرف ترقیخواه و مدافع انقلاب ایران تشکیل و به ایران اعزام گردید تا شیوه‌های بازجویی و کسب اقرار از رهبران حزب را بررسی کرده و افکار مردم ایران و جهان را از حقایق مربوط به آن آگاه سازد. سکوت مخالفت آئین مقامات مسئول در این باره، این واقعیت را که هیچگونه دلیل مستقل و سند و مدرک مستندی برای اثبات اتهام رهبران حزب دایر بر جاسوسی برای شوروی وجود ندارد در سطح اذهان وسیعتری به اثبات می‌رساند.

به نظر ما، برداشتن گامهای عملی برای محدود کردن و بی‌اثر کردن نتایج شوم اجرای این توطئه در مسئولیت و تعهد انقلابی همه نیروهای مدافع انقلاب در داخل کشور است. امروز شرافت انقلابی و اصالت اخلاقی و انسانی مدافعان خط انقلاب در حاکمیت در گرو برداشتن گامهای عملی در این زمینه است. ما از این نیروها می‌طلبیم که در راه انجام مسئولیت و تعهد خود به انقلاب و مردم شجاعانه گام بردارند. ما از نیروهای مدافع انقلاب در حاکمیت می‌طلبیم که در راه پایان بخشیدن به جو آکنده از ترس و ارعاب، ناآرامی و تشنج و بی‌ثباتی سیاسی که خود از اهداف طراحان و اجرا کنندگان اصلی این توطئه بوده است، فاطحانه اقدام نمایند و نگذارند "حقوق ملت" و آزادیهای سیاسی مصرحه در قانون اساسی بیش از این پایمال و در تحلیق باقی بماند.

بیش از ۵ ماه از بازداشت دبیر اول و دیگر رهبران حزب توده، ایران می‌گذرد. متعاقب بازداشت آنها و در هیاهوی کارزار تبلیغاتی پرداخته‌ای که با نمایش سرپال تلویزیونی "شکنجه و شلاق" سازمان یافت، حزب توده، ایران بگونه‌ای که آشکارا خلاف قانون اساسی است تغییر قانونی اعلام گردید و کلیه اعضا و هواداران آن تحت شدیدترین پیگرد های پلیسی به مراکز سپاه پاسداران فراخوانده شدند. هزاران تن از اعضا و هواداران حزب توده، ایران، حزبی که پیگیرانه از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و دوستان و جاسوسان آن دفاع کرده و صدها شهید در راه پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن به پیشگاه خلق تقدیم داشته است در زندانهای جمهوری اسلامی ایران بسر می‌برند. بازداشت رهبران، اعضا و هواداران حزب، شکنجه و سرکوب وحشیانه آنها، اعلام انحلال غیرقانونی حزب توده، ایران به اتهام جاسوسی برای شوروی یکی از مهلکترین توطئه‌های آمریکایی برای به زانو درآوردن انقلاب میهنمان بوده است که با طراحی و تشویق سازمان سیا و انتلیجنت سرویس تدارک و پامیدان در جاسوسان سیا و انتلیجنت سرویس که در سرپای ارگانهای جمهوری اسلامی رخنه کرده‌اند به مرحله اجرا درآمده است. هدف اصلی این توطئه شوم و خونبار تخریب روند نزدیکی مسلمانان انقلابی با پیروان اصلی سوسیالیسم علمی در ایران و جهان بوده است. همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه جهان و بشریت ترقیخواه بگونه‌ای یکپارچه که در طول تاریخ کم سابقه

قضاوت نهائی با تاریخ خواهد بود!

بقیه از صفحه ۱

قانونی " و " منحل " اعلام کرده تا به قانسون اساسی دستبرد بزند و کودتای ۲۸ مرداد را به راه اندازد؛ و افسران تودهای و دیگر مبارزان تودهای را به جوخه اعدام سپرد؛ تا نفت را به امپریالیست ها بپردازد و کشور را به جولانگه ترکنازی آنها تبدیل سازد!

شاه، ترور سیاه دولتی را بر جامعه مستولسی ساخت؛ تا به گمان خود حاکمیت خود را ابدی سازد. ولی انقلاب عظیم خلق، همانند سلیسی خروشان او و دستگاهش را شست و به لجن زار ابدی تاریخ سپرد.

برخورداری خلقهای میهن ما از آزادی - **ارمغان انقلاب فدای امپریالیستی و خلقی.** ۲۲ میهن که با جانفشانی و فداکاری وسیعترین اقشار جامعه بدست آمد؛ از روز اول به مذاق ارتجاع داخلی و حامیان خارجی آن خوش نیامده بود.

این آزادی که خلق آنرا در نبرد نابرابر خود با ارتجاع داخلی و امپریالیسم چنگ آورده بود، اهدائی احدی نبود؛ زیرا آزادی گرفتنی است و نه دادنی! اما برخورد انحصار طلبانه به

راه تسوده عزیز:

سلام!
... خاله ... من، رفیق شما بود و حالا مدتهاست که در زندان است و من نمی دانم - مادرم هم نمی داند و هیچکس دیگر هم نمی داند - که چه بلائی بر سر او و رفقایش آورده اند! د بیروز غروب نشسته بودم و به خاله ... ام و همه کسانی که انقلاب، مردم و خود من، مثل هوا، به وجودشان احتیاج داریم، فکر می کردم؛ غروب دلگیر و خون آلودی بود. فکر اینکه آنها این غروبهای خفه و تاریک را چگونه می گذرانند، مرا به گریه انداخت! این غروب و همه غروبهای خونین و کشتنهای که آنها را شکنجه میدهند؛ این غروب و همه غروبهای غروبهای که از فرط درد به خود می لرزند؛ این غروب و همه غروبهای عیوس و خاکستری و بی هوایی که با سوال آغاز می شوند و با سوال به شب می رسند؛ این غروب و همه غروبهای که ...

و برای خاله ... ام نامه ای نوشتم و چون می دانم " مقامات ... زندان، هرگز این نامه را به او نمی رسانند، تصمیم گرفتم آنرا برای شما پست کنم. چه فرقی می کند؛ وقتی شما این نامه را بخوانید، مثل اینست که او هم خواننده است!

خاله ... من!
... برایت گریه کردم، همه این غروبهای کبود و بیرحم را! ولی می دانم که تو راضی نیستی ... تو برای چیزهای دیگر گریه می کنی ...

آن، بویژه در مورد حزب ما، از همان روز اول پس از پیروزی انقلاب دیده می شد. ارتجاع از زبان امیرانتظام، جاسوس امپریالیسم آمریکا اعلام کرده که در مورد حزب توده، ایران قوانین رژیم شاهنشاهی بقوت خود باقی است؛ - قشربون و ساواکی های برخورد در بینشان چه در لباس مسئولین جمهوری، همانند " صادق " ها و چه در لباس اشخاص غیر مسئول، روزنامه های ما را پاره کردند؛ ارگان حزب ما را به محاق توقیف کشاندند؛ به خانه های ما یورش بردند و آنها را غارت کردند؛ دفتر مرکزی حزب در تهران و دفاتر دیگر حزب را در شهرستانها مهر و موم کردند و پناهی تهرانشور و فاشیست ما بسانه آنها را منهدم و تاراج نمودند؛ رفقای ما را دستگیر ساختند و حتی با اعدام آنها، همانند رفقا: آذر، نوش، مهدویان و حسین شیبانی در کرمانشاه؛ لکنه ننگ خون مدافعان انقلاب و جمهوری نوپسار، در همان هفته های اول، به پرچم جمهوری ابدی ساختند!

قشربون، حجتیه های و ساواکی های شناخته شده و نشده در بین آنها، شرمشان نیامد حتی

ولی نه با چشمها و آشکهایت که می دانم با آنها فقط می خندی. بلکه با لبها و دستهایت! من گریه ترا دیدم ... وقتی با لبهایت گریه می کردی، ترا دیدم ... در جشن ... سالگی حزب! ... وقتی همه شما در خانه ما جمع بودید و در سکوتی عمیق و موقر، با احترام به سرود حزب گوش می دادید. من خیلی ها را ایستاده دیدم؛ در برابر خدا، در برابر یک تابلوی نقاشی، در برابر مدیر مدرسه، در برابر ویتربنی از جواهر، در برابر عشق و قفسه بزرگی از کتابهای بی نظیر و عطرهای خوشبو و اسباب بازی های هوش ... ولی هیچکس را آنطور که شیفته و فروتن که شما در برابر گل و سرود حزب ایستاده بودید، ندیده ام. آنوقت بنظرم رسیده خاله، خیم، تو تنها برای حزبت هستی! برای مردم و رفقاییت و دیگر هیچ ... تو برای اینها زنده ای ... وقتی لبهایت را دیدم که جمع شد و گریست و دستهایت را دیدم که جمع شد و گریست، دلم می خواست از فرط محبت فریاد بزنم ... من از آنهمه شکوه می لرزیدم و تو در قلبت، از امید و تأثر گریه می کردی! ...

آن شب، برای من رنگ صورتی داشت!
خاله ... عزیزم!
می دانم که تو گریه نمی کنی! ... و با این غروبهای بنفش می سازی ... اما فراموش نکن ... در سرتاسر ایران، " بچه های " زیادی هستند که به شههای صورتی شان فکر می کنند! اگر اسم واقعی خود را بنویسم، مرا هم دستگیر می کنند؛ بنابراین، این اسم را انتخاب کرده ام.
مریم - ۱۴ ساله

به جسد شهدای جبهه جنگ هم بی حرمتی کنند و از دفن آن ها در کنار گور خانسواده در قبرستان از جمله در مورد رفقای شهید عبد الکبریم حیاتی و اسپارتاکوس سلحشور جلوگیری کنید.

به تمام این خودسری ها، بی حرمتی ها و سلب حقوق و آزادی های قانونی، که از بدو پیروزی انقلاب علیه حزب توده، ایران اعمال شد و به پایمال کردن شعار بزرگ انقلاب: " آزادی " انجامید، آن کسانی با سکوت خسود لبیک گفتند و آنرا ممکن ساختند؛ که امروز در سخنانشان جو خفقان و سرکوب را دامن می زنند و مدعی آنند؛ که گویا به حزب ما از " روز اول آزادی مطلق " ارزانی شده بود! زحمتکشان میهن ما با هشیاری و آگاهی انقلابی خود، این ترغدها را شناختند. این درس های تلخ را آموختند. آنها را نمی توان به کوره راه راند و به چشمان خاک پاشید! یورش جنایتکارانه و قانون شکنانه به حزب ما و اعمال شکنجه های وحشیانه و بربر منشانه علیه زندانیان در بند، نه بعلت ادعای دروغین " جاسوسی " و ... اعمال شده است؛ بلکه به این علت انجام شده که خواست انقلاب، یعنی " استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی "، پایمال شود!

راستگرایان و ضد انقلاب داخلی و خارجی پنهان شده در پشت سر آنها، به این جنایت دست زدند تا با سرکوب خلق و پا به زنجیر کشیدن " عدالت اجتماعی " و " آزادی "، ایران را دوباره به سرباره امپریالیست ها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، ببندند؛ پایه های نظام غارتگر سرمایه داری را مستحکم سازند و " استقلال " میهن را بر باد دهند.

معاشاتگران د بیروزی و تسلیم طلبان امروزی به پرچمدار این جنایت تبدیل شدند؛ زیرا با پشت کردن به اهداف اولیه و اعلام کرده خود، انقلاب را به بحران دچار کردند و نخواستند به تنها راه خروج از آن، که حزب ما پاره ها اعلام کرده بود، یعنی به راه تجهیز همه انقلابیون راستین در یک جبهه متحد و طفره رفتن از نظام غارتگر کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی قدم بگذارند.

آری، چنین استطل واقعی یورش به حزب ما و سرکوب بهترین فرزندان طبقه کارگر ایران!
دستانی که به خون تودهای های دربند، این انقلابیون و دانشمندان پرورده شده در دامن طبقه کارگر ایران آورده شود، به ننگ ابدی دچار خواهد شد و در پیشگاه تاریخ، که قضاوت نهائی را به عهده دارد، محکوم خواهد بود!

مردم آزاد بخواه و میهن دوست ایران! نیروها، سازمانها و احزاب مترقی در سراسر جهان! خطر مرگ جان هزاران انسان شرافتمند و میهن دوست ایرانی - تودهای دربند را تهدید میکند! با افشای هر چه بیشتر خفقان و ارباب و شیوه های بربر منشانه سرکوب میهن دوستان و آزاد بخواهان ایران، دست جلا دراز فرود آمدن بازدارید!

افغانستان می رزمند و می سازد

امپریالیسم و ارتجاع داخلی و خارجی علیه افغانستان انقلابی جنگ اعلام نشد ما را آغاز کرد ماند .

امروز افغانستان انقلابی میزمد و میسازد . هر روز مؤسسه صنعتی تازه ای آغاز به کار می کند . مردم امر پیکار علیه ضد انقلابیون عمال امپریالیسم آمریکا را در شهرها و روستاها به دست خود می گیرند . صفوف حزب دموکراتیک خلقی افغانستان پیوسته گسترده تر میگردد .

مردم افغانستان ضمن دادن پاسخ دندان شکنی به دشمنان انقلاب و غلبه بر مشکلات پایه های زندگی نوین را برای انجام دگرگونیهای عمیق اجتماعی - اقتصادی روز بروز مستحکم تر می کنند .

توطئه های بی دریغی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا -

مردم افغانستان برای اینکه بار گذشته استعمار را از دوش خود بردارند، نیاز به کوشش های فوق العاده دارند . پیش از انقلاب افغانستان از نظر درآمد سرانه ملی در یکی از آخرین مقامها در میان کشورهای جهان قرار داشت . از هر سه خانواده روستایی ، یک خانوادگی اصلا از زمین بی بهره بود . از هر ده نفر اهالی ، تنها یک نفر میتواند بخواند و بنویسد . وظایف مربوط به تشریح تجدید حیات ملی و بالا بردن سطح امکانات مادی و معنوی کشور پس از انقلاب اردیبهشت در سال ۱۳۵۷ در دستور روز قرار گرفته است . اما تحقق این وظایف میسر در شرایط بسیار دشوار صورت میگیرد . نیروهای

اگر بیست و هشتم مرداد برای مردم ایسران یاد آور خاطره تلخ يك كود تاي خائنه امپریالیستی است، مردم افغانستان همین روز را از ۶۴ سال پیش بعنوان جشن ملی باز یابی استقلال پرگزار می کنند . پیکار چندین ساله خلق افغانستان علیه استعمارگران بریتانیایی در این روز به پیروزی انجامید و کشور حق موجودیت مستقل و آزاد خود را به دشمنان تحویل کرد . در آن روزهای دور نیز اتحاد شوروی ، مسانند امروز ، در کنار خلق افغانستان بوده تا بتواند به زندگی مستقل و آزاد خود در شرایط تحریکات دامنه دار استعمار و امپریالیسم ادامه دهد . اما امروز پس از انقلاب خلقی اردیبهشت ، (شور) وظایف بکلی دشوارتری در برابر خلق برادر افغانستان قرار گرفته است : غلبه بر عقب ماندگی قرون در مدت زمان کوتاه و مقابله با



ترتیب کوشیده بود عمل خود را توجیه کند . اما تمام این تلاشها تغییری در این واقعیت نداشت . دهنده که حزب حاکم در لبنان ، مخفی از خلق خود با نماینده اسرائیل ، بزرگترین دشمن خلق لبنان دیدار و گفتگو کرده است .

راد یو دمشق هدف از این دیدار را چنین توضیح داد :

" این فشاری است بر محافل حاکمه لبنان برای اینکه بعضی از آنها را بیشتر بسوی سازش با اسرائیل بکشانند و اداشان سازند ، که ارتباطات خود را با محافل میهن پرست لبنانی و عرب قطع نمایند . "

اسرائیل می کوشد ، مناسبات خود را با برخی از احزاب لبنان " عادی " کند ، تا وانمود نماید ، که میان اسرائیل و لبنان اختلافی وجود ندارد ، بلکه هر چه هست میان سوریه ، از یکسو ، و اسرائیل و لبنان ، از سوی دیگر است . البته اینگونه تلاشها بتازگی آغاز نشده است . از فردای امضای قرارداد اسرائیل - آمریکا - لبنان در هفدهم ماه مه سال جاری اسرائیل تمام

بقیه در صفحه ۱۶

فشار بر دولت لبنان افزایش می یابد

بر شمرده که برای پایه گذاری وحدت ملی تلاش می کنند .

پس از بازگشت آرنس به اسرائیل سخنگوی وزارت دفاع این کشور پیشترانه مدعی شده که هدف از آن " تعمیق تفاهم میان دو کشور " بوده است . " مهمانداران " آرنس نیز همین نظر را داشتند . کامیل شمعون ، رهبر ائتلاف " جبهه لبنان " ، فساد ی فرم ، سرفرمانده " نیروهای مشترک مسیحی " ، و پیر جمیل ، رهبر حزب کتاب و پدر امین جمیل رئیس جمهور کنونی لبنان ، نیز اعلام کرده که ملاقاتشان با وزیر دفاع اسرائیل به سود دو کشور بوده است . رهبر فالانژها ، بمنظور کاستن از حدت اعتراضات علیه این دیدار خود سرانه اعلام کرده که این سفر " ناگهانی و بدون دعوت از جانب آنان " صورت گرفته است . پیر جمیل پس از ملاقات با آریل شارون وزیر دفاع پیشین اسرائیل و وزیر مشاور کنونی این کشور در سال گذشته نیز عینا به همین

هفته گذشته موشه آرنس وزیر دفاع اسرائیل بطور ناگهانی وارد بیروت شد و با رهبران گروههای راستگرای مسیحی دیدار و گفتگو کرد . این عمل خود سرانه ، که بدون اطلاع دولت رسمی لبنان انجام گرفت ، موجی از خشم و تنفر را در محافل اجتماعی لبنان برانگیخت . شفیق وزان ، نخست وزیر لبنان ، بعنوان اعتراض یکروز تمام ملاقاتهای سیاسی خود و جلسه هیئت دولت را لغو کرد و حتی صحبت از استعفا ی او بمیان آمد .

ارزیابی عمومی در مورد سفر موشه آرنس به بیروت اینست که بدینوسیله خواسته اند از توافق میان نیروهای گوناگون داخلی در لبنان در جهت انعقاد قرارداد و تفاهم جلوگیری کنند . صائب سلام ، نخست وزیر اسبق لبنان ، دیدار وزیر دفاع اسرائیل با سران احزاب محافظه کار مسیحی را ، که در ائتلاف " جبهه لبنان " گرد هم آمد ، هاند ، تحریکی خشن علیه تمام آن کسانی

نکاتی چند پیرامون نظام اجتماعی - اقتصادی

با تشدید بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بحث پیرامون حیطة عملکرد بخش دولتی، چارچوب مالکیت خصوصی ابزار و وسائل تولید و نقش سیستم تعاونی در اقتصاد و بطور کلی ضرورت اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی نیز دوباره از سر گرفته شده است.

در ارتباط با مسائل اجتماعی - اقتصادی، اصول فراوانی در قانون اساسی وجود دارد، که از آنجمله: اصل ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۹، این اصول نه تنها یکدست نیستند، بلکه در مواردی یکی ناقص دیگریست. چنین پدیده‌ای حیرت‌آور نیست، تنظیم کنندگان قانون اساسی دارای نظر واحدی نبودند و هر گروهی می‌کوشید، نظرات طبقاتی خود را در این و یا آن اصل منعکس سازد. برای این نیز بلافاصله پس از تصویب قانون اساسی، مبارزه بر سر تفسیر و نحوه اجرای اصول مذکور آغاز شد و با فراز و نشیب تا امروز ادامه دارد. در این نبرد نیروهای ملی و مترقی، که در اوایل از آزادی نسبی بهره‌مند بودند، شرکت فعال داشتند. گرچه اکثر سران رژیم منکر وجود طبقات در جامعه‌اند، مبارزه از نخستین روز خصلت طبقاتی بخود گرفت. این روند، که نیروهای انقلابی سیاسی آغازگرش بودند، تأثیر کیفی محسوس در سیر آتی نبرد داشت.

زمامداران جمهوری اسلامی هر يك به نوعی از مالکیت دفاع می‌کنند. برخی می‌گویند: "تمام مالکین جامعه می‌توانند مطمئن باشند، که حکومت و دولت و مأموران دولت ضامن تمام دستاوردهای مشروع آنها هستند و دغدغه خاطر نداشته باشند، که اگر مال مشروعشان در کاخی هم ضمیمه شده باشد و بخواهند، کاخ را خراب می‌کنند و در می‌آورند و بهش می‌دهند تا این حدثیات مالکیت در اسلام محترم است" ("جمهوری اسلامی"، ۱۹، تیرماه ۶۱). برخی دیگر علت اساسی ناپسا مانهارا در "وجود و بقای روابط و مناسبات کهن تولیدی" می‌دانند و معتقدند، با توسل به "پدیده‌های نویی اجتماعی و سرمایه‌داری" می‌توان ناپسا مانهارا را سامان بخشید. آنها از روحانیون می‌خواهند، تا "نمایندگان مجلس را بوسیله اجتهاد های انقلابی در رابطه با پدیده‌های نوین اجتماعی و سرمایه‌داری، یعنی مسائل مستحدثه تغذیه نمایند" ("اطلاعات"، ۲۹، تیرماه ۶۲). هدف، چنانکه ملاحظه می‌شود، ادامه راه رشد سرمایه‌داری تحت پوشش احکام شرعی است.

در هر دو مورد برخورد به معضل پس‌پیش‌نظام اجتماعی - اقتصادی سطحی است. وقتی از حل مناسبات مالکیت سخن می‌رود، منظور فقط حل معضل مالکیت ابزار و وسائل تولید نیست. مناسبات انسانها کلیه عرصه باز تولید، توزیع، مبادله و مصرف را فرا می‌گیرد. بنابراین، منا -

سبات مالکیت عملا شامل مجموعه مناسبات تولیدی این و یا آن نظام اقتصادی است و مالکیت ابزار و وسائل تولید هسته مرکزی آنرا تشکیل می‌دهد. مبارزه برای دستیابی بخود کفائی و استقلال اقتصادی در هر حل مجموعه مناسبات مالکیت است. تأمین استقلال اقتصادی از فردی روز پیروزی انقلاب در دستور روز قرار گرفت و نبرد در این عرصه تا امروز ادامه دارد. در چسبیدن این نبرد، حزب توده، ایران، بنا به وظیفه تاریخی و تعهدات خود در قبال طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، نظراتش را با توجه به شرایط ویژه کشور صریح و روشن اعلام کرد. حزب ما خواهان تجدید تدریجی دایره عملکرد بخش خصوصی، تقویت هرچه بیشتر بخش دولتی و ایجاد سیستم تعاونی فعال در زمینه‌های تولید و توزیع شد.

یکی از علل اساسی پورش سبحانه به حزب توده، ایران موضع آشتی‌ناپذیر ما پیرامون نظام اجتماعی - اقتصادی کشور است. ولی ترور و اختناق هیچگاه نتوانسته است تزلزلی در اراده اعضا، و هواداران حزب توده، ایران بوجود آورد و آنان را از پیکار در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی باز دارد. وقتی مصالح زحمتکشان و آینده میهن مطرح گردیده است، حزب ما همیشه و در همه شرایط نظرات خود را در معرض تضاد و امتزاج قرار داده است. اکنون نیز، به پیروی از این روش منطقی، می‌کوشیم. جوانب گوناگون مسائل مورد بحث در جامعه را بررسی کنیم.

ما بارها گفته‌ایم و باز تکرار می‌کنیم: پایان دادن به نفوذ مخرّب انحصارهای بین‌المللی امپریالیستی در شئون اقتصادی شرط ضروری استقلال اقتصادی و دستیابی بخود کفائی است. و این یکی از خواسته‌های عده طبقات و قشرهای مختلف شرکت‌کننده در انقلاب بوده است. هر يك از این طبقات و قشرها نیز استدلال و منطق ویژه خود را داشته‌اند و تا کنون نیز بدان پایبندند.

تردیدی نیست، که در مبارزه ضد امپریالیستی طبقه کارگر بیش از همه ذی‌منفع است. زیرا تسلط امپریالیسم بهر شکلی رابطه مستقیم با تشدید بهره‌کشی دارد. ضربات مهلکی، که در نتیجه سیاست نواستعمار بر پیکر نحیف کشاورزی وارد می‌شود، تودهای دهقانی را در مقابل امپریالیسم قرار می‌دهد. موضع دهقانان کم زمین و بی‌زمین درباره اصلاحات ارضی رادیکل بمثابة یگانه راه مؤثر تأمین خود کفائی محصولات کشاورزی، که امپریالیسم همیشه در کشور ما سد راه آن بوده، نیازی به استدلال ندارد. امسا سرمایه‌داران کوچک و حتی متوسط، که زیر فشار فزاینده انحصارهای خارجی فروشندگان کالا قرار دارند و قادر به رقابت با آنها نیستند، در مبارزه با امپریالیسم حد اقل در مراحل معینی

ذی‌منفعند. مشابه این روند را در برخورد به معضل صنعتی شدن، تسریع رشد اقتصادی، نقش بخش دولتی در اقتصاد ملی و غیره میتوان به عیان مشاهده کرد.

آنچه ما متذکر شدیم، نمونه‌هایی از موارد هم‌آهنگی منافع طبقات و قشرهای گوناگون جامعه در چارچوب ملی بشمار می‌رود. و اینها در مجموع نشانگر خصلت ملی هر انقلابی است، که مضمون آنرا مبارزه علیه امپریالیسم تشکیل می‌دهد. تا زمانیکه به سطره امپریالیسم تسلیم نشده باشد، تا زمانی که از آزادی ملی و استقلال اقتصادی سخن گفت. همه می‌دانند، که در کشورها نیروهای ارتجاعی با نفوذی سخنی دارند، تا مواضع از دست رفته امپریالیسم را دوباره احیا کنند و در این راه سرعت پیش می‌روند. آنها مخالف تحولات بنیهای اجتماعی - اقتصادی هستند. به همین سبب حزب توده، ایران در آغاز مبارزه بر سر انتخاب نظام نوین اجتماعی - اقتصادی تأکید کرد، که هدف از شرکت وسیع نیروهای اجتماعی در نوسازی جامعه نمی‌تواند بمعنای دربرگیری همه ملت بطور عام باشد. ابعاد نیروهای محرکه انقلاب در مرحله نوسازی با ویژگیهای هر کشور جداگانه‌ای بستگی دارد. مثلا در ایران، گرچه در جریان انقلاب پیروزمند مردم همه نیروهای ضد نظام سلطنتی، صرف‌نظر از وابستگی‌های طبقاتی و اجتماعی در رده واحدی مبارزه می‌کردند، پس از پیروزی انقلاب روند مرز بندی طبقاتی با سرعت آغاز و اختلاف منافع گسره‌های اجتماعی بیش از پیش ظاهر شد. این یک پدیده ناشناخته و نویی نیست. لنین سالهای سال پیش باین نتیجه رسید، که پایه‌ای پیشروی انقلاب، مناسبات میان طبقات هم‌تغییر شکل می‌دهد. وی نوشت، که معنای هر پیشرفت واقعی انقلاب عبارتست از روی آوردن هر چه بیشتر توده‌ها به جنبش و در نتیجه دستیابی به آگاهی بیشتر به مناقصه طبقاتی و بنا بر این آشکاری بیشتر مواضع گروه بندی‌های سیاسی و حزبی و بروز دقیقتر سیمای طبقاتی احزاب گوناگون و بدینسان، تغییر بیش از پیش خواست های سیاسی و اقتصادی کلی و تجریدی، که سبب همین تجریدی بودن مبهم و تاریک مانده بودند، و تبدیل آنها به خواسته‌های گوناگون مشخص و دقیق طبقات مختلف.

در آستان و آغاز انقلاب همه بنام دکراسی عمل می‌کنند. ولی، بگفته لنین، فقط در جریان مبارزه طبقاتی و در رهگذر تکامل تاریخی کم‌و بیش طولانی انقلاب است، که تفاوت میان استنباط طبقات مختلف از این "دکراسی" آشکار می‌شود. مطلب بدینجا پایان نمی‌پذیرد در این رهگذر علاوه بر این، ورطهای عمیق میان منافع طبقات گوناگونی، که بنام همین "دکراسی" بقیه در صفحه ۹

نکاتی چند پیرامون نظام اجتماعی - اقتصادی

بقیه از صفحه ۸

تجربه گذشته یکبار به ثبوت رسانده بود، که اقتصاد متکی به سرمایه خصوصی و تکنیک و تکنولوژی انحصارهای چند ملیتی نمی تواند، اقتصادی مستقل، پیشرفتنده و پویا باشد. آیا لزومی داشت، چهار سال دیگر بیهوده صرف آزمایش مجدد این راه پر از مصائب و مشکلات گردد؟ اکنون کسرات رژیم با این پست در همه عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روی بر سر شده اند، دباره از ضرورت اجرای اصل ۴ قانون اساسی دم می زنند، در حالیکه مسائل مطرحه از جانب آنان در موارد فراوان، با روح این اصل در تضاد آشکار قهرار دارد.

برخلاف آنانیکه با پیش کشیدن موضوع احتراز از باصطلاح دولت سالاری و خواست تشویق و حمایت از فعالیت های غیر دولتی و نیز تأمین "امنیت و آزادی" برای بخش خصوصی با تقویت هر چه بیشتر بخش دولتی مخالفت می کنند، ما معتقدیم، این بخش می تواند و باید به پایگاه عمده رشد اقتصادی مبدل شود. در ارتباط با این امر، مسئله مناسبات مالکیت بمثابة یک معضل حیاتی در تعیین سرنوشت آتی کشور مطرح می گردد. علیرغم خواست سران رژیم، انقلاب مناسبات مالکیت را یکی از مسائل حاد مورد بحث در جامعه تبدیل کرده است.

بررسی بحرانهای معاصر در پاره ای از کشورها نشان می دهد، که نخستین شرط و عامل اجتماعات متشدید معضلات هم در درون یک کشور و هم در مقیاس بین المللی عبارتست از مناسبات مالکیت اقتصاد مبتنی بر مالکیت خصوصی از یک انگیزه تبعیت می کند و آنهم کوشش برای کسب حداکثر سود از طریق حداقل ریسک سرمایه گذاری. آنچه در میهن پلانکسیده ما می گذرد، مؤید این واقعیت است. چنین روندی با پیشرفت اجتماعی، با تمایلات اصیل انسانی، بالاخره، با عقل سلیم مغایرت دارد. تضاد میان منافع خصوصی سرمایه داران و منافع قشرهای مختلف زحمتکشان، تضاد بین بسط اقتصاد، فرهنگ و سنن بورژوازی و بی آمدن های تلخ و مخرب آنها و تضاد میان نیازمندی های رشد شخصیت انسانها و انگیزه ها و هدفهای ضد بشری و ناباب جامعه بورژوازی، زائیده مالکیت خصوصی ابزار و وسائل تولید است. می توان این حقیقت را نادیده گرفت و یا برای مدتی از انتظار پنهان داشت، ولی نمی توان نه با تزویر و سفارحه و نه با توسل بزور سدی در برابر بروز اجباری این تضادها ایجاد کرد.

حل مناسبات مالکیت در دستور روز مبارزه قرار دارد و طفره رفتن از آن مقدر نخواهد بود. زیرا، چنانکه متذکر شدیم، مناسبات مالکیت فقط شامل مالکیت ابزار و وسائل تولید نیست، بل معضلات گوناگون دیگر از تولید و توزیع تا مبادله و مصرف را نیز در بر می گیرد. هدف تنها رشد نیروهای مولد و افزایش تولید بهر تقدیر نیست، بلکه نوسازی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محمود محرومین مطرح است. فقط یک دولت واقعا ملی، واقعا دمکراتیک، واقعا انقلابی می تواند، این هدفها را با مراعات آکید آزادی

اقتصادی سیر کند، که بتواند نظامی بی مراتب مترقی تر از نظام سرمایه داری را در کشور مستقر سازد. گروهی از راست نظر ما را مورد حمله قرار می دهند. تکلیف راستگرایان روشن است. آنها خواهان گسترش مناسبات سرمایه داری زیر پوشش اسلام اند. عده ای دیگر از موضع "چپی" به مقابله با ما برخاسته اند، که این تهنات در شرایط انقلاب سوسیالیستی ممکن است. ولی ما با توجه به شرایط موجود کشور، بین مرحله رشد اجتماعی - اقتصادی در حال حاضر و سمت کلی آن فرق قائلیم و بهمین علت یک نظام اقتصادی دارای خصیلت ملی و دمکراتیک، مرکب از بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی را مناسبترین نظام در مرحله کنونی تشخیص می دهیم. ما ضمن توجه به قانونمندیهای بنیادی دگر سازی انقلابی جامعه، از آنها بهیچ وجه قالبهای اجباری عامی را بیرون نمی کشیم. آنچه برای حزب توده، ایران مطرح بود و هست، مسئله استفاده از شرایط مشخص تاریخی و ملی به منظور غنی تر ساختن اشکال و وسائل طرق نوسازی جامعه بسود توده های محروم است. از این نظر، نظام اقتصادی مندرج در اصل ۴۴ قانون اساسی، در صورت اجرای دقیق و کنترل شده، می تواند بتدریج شرایط گذار به مرحله عالیت را فراهم آورد. پدید می آید، ما نظام اجتماعی - اقتصادی را جدا از مضمون حاکمیت مطرح نمی سازیم. به عقیده ما، مرحله نامبرده وقتی با موفقیت قرین خواهد بود، که همه نیروهای انقلابی ام از مذهبی و غیر مذهبی در حاکمیت شریک باشند. زیرا فقط در چنین شرایطی مکانیسم دولتی می تواند در راه پیشگیری از رشد مناسبات سرمایه داری و آغاز نوسازی جامعه بسود توده های محروم بکار گرفته شود. ما گفتیم، برای ایجاد چنین مکانیسم دولتی همکاری داوطلبانه و نزدیک همه نیروهای دفاع منافع طبقات و قشرهای زحمتکش جامعه بر اساس مشترک ضرورت دارد. ما تأکید کردیم، که فقط دولت متعکس کننده اراده نیروهای راستین انقلاب، با تأمین شرکت گسترده زحمتکشان در تعیین سرنوشت خویش و مراعات آزادیهای اساسی دمکراتیک، می تواند به اصل ۴۴ قانون اساسی تحقق بخشد. در غیر اینصورت، انقلاب بتدریج از حمایت توده ها محروم، از محتوی تهی و سر انجام به انزوا کشانده خواهد شد.

رویداد های سالهای اخیر صحت این پیشگویی غلطی حزب توده، ایران را بسار دیگر بحیان نمودار ساخت. با تسلط عناصر راستگرا و عمال امپریالیسم بر حاکمیت و سرکوب نیروهای ملی و مترقی، انقلاب به بیراهه سوق داده شد، مناسبات تولید سرمایه داری ادامه یافت و مواضع امپریالیسم یکی پس از دیگری احیا گردید. گسترش این روند ضد ملی شکاف میان حاکمیت و زحمتکشان را ژرفتر کرد.

خواستار انجام اقدامات اقتصادی و سیاسی مختلف هستند، آشکار می شود. فقط و فقط در جریان مبارزه و در رهگذر تداوم انقلاب روشن می شود، که یک طبقه یا قشر "دمکراتیک" نمی خواهد باندازه طبقه یا قشر دیگر دور برود و آنگاه به هنگام تحقق هدفهای "مشتت" تصادمات شدید بر سر شیوه تحقق آنها، مثلا بر سر این یا آن درجه از وسعت و توالی مراحل آزادی، بر سر چگونگی راه رشد و چگونگی شرکت کارگران در اداره موسسات صنعتی و نیز واگذاری زمین به دهقانان و غیره، بروز می کند. حزب ما از روز نخست پیروزی انقلاب این اصول انکار ناپذیر را مطرح ساخت. ولی مخالفین ما، که سفسطه را جایگزین منطق ساخته بودند، قادر به فهم این واقعیت مسلم نشدند. علیرغم تمایل ضد کمونیستهای حرفهای گذشته زمان صحت و اصالت ارزیابی ما را به ثبوت رساند. طی چهار سال و اندی، که از پیروزی انقلاب می گذرد، ما شاهد روند تشدید ناراضی توده ها در کشور هستیم و این نتیجه جبری تبلور مناسبات میان استثمار شونده گان و استثمار کننده گان است. در چنین شرایطی، دولت به مثابه مجری هدفهای طبقات و گروههای حاکم سیاسی به عمده ترین ابزار منافع طبقاتی تبدیل می شود. عملکرد دولت فقط از این دیدگاه می تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. معیارهای دیگری که پاره ای از نظریه پردازان پیرامون راه برون رفت از معضلات عدیده کنونی اجتماعی - اقتصادی مطرح می سازند، فاقد اصالت است و هدفی جز کتمان حقایق سر سخت ندارد. زیرا نحوه برخورد و مسئله مهم حاکمیت و مالکیت مضمون و محتوی هر انقلابی را تشکیل داده و می دهد. تداوم انقلاب، که اینهمه در اطرافش "درفشانی" می شود، در موضوع عدل مطرح می کند. موضوع شرکت فعال انبوه زحمتکشان در اداره امور دولتی و معضل حل مالکیت و هر دوی آنها باین یا آن شکل در قانون اساسی تصریح شده است.

آنانیکه امروز با توسل به کثیف ترین حربه های به عاریت گرفته شده از امپریالیسم حویب مسا را مورد تهاجم وحشیانه و فاشیستی قرار داده و از ارتکاب هیچ جنایتی فروگذار نمی کنند، دانسته و فهمیده مسائل بسیاری را از افکار عمومی پنهان می دارند. مثلا، آنها نمی گویند، که اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی، بدون اندکی کم و کاست پیشنهاد حزب توده ایران است. آری این پیشنهاد حزبی است، که اینک زمامداران رژیم بدون کوچکترین عذاب وجدان اعضای آن را روانه فراموشخانه های په آرث رسیده از شاه معدوم می کنند، بدست مأمورین ساواک شکنجه می دهند و بقتل می رسانند.

چرا حزب توده، ایران چنین پیشنهادی را مطرح ساخت؟ ما معتقدیم، کشور ما باید در راه چنان پیشرفت، اجتماعی -

چگونه مصالح ملی فدای جلب حمایت امپریالیسم شد

بقیه از صفحه ۴

نفتی خریداری کند .

خسارت جبران ناپذیر

از همه مهمتر آنکه انحصارهای بین‌المللی نفت هیچگاه حاضر نشدند، بخشی از سود کلان خود را صرف ایجاد مؤسسات صنعتی برای استفاده از گاز همراه نفت در ایران کنند. نفت - خواران جهانی ترجیح می‌دادند، گاز همراه نفت را در سرچاه‌های نفت بسوزانند . این روند از نخستین روز تولید نفت در ایران، یعنی ۷۰ سال پیش، آغاز و تا به امروز بدون انقطاع ادامه دارد. بدین طریق طی ۱۶ سال، یعنی تا سال ۱۳۵۸ بیش از ۴۰۰ میلیارد متر مکعب گاز همراه نفت در سرچاه‌ها سوزانده و بی‌بهره داده شده است . انحصارهای نفتی و رژیم دست‌نشانده با این عمل خسارت عظیم جبران‌ناپذیری به اقتصاد کشور ما وارد ساخته‌اند .

سران جمهوری اسلامی، که اینهمه جنجال بر سر فروش گاز به اتحاد شوروی برآه انداخته‌اند، این حقایق تلخ را بازگو نمی‌کنند : در همین جا باید خاطر نشان کرد، که این روند، یعنی سوزاندن گاز همراه نفت، امروز هم مانند دیروز ادامه دارد . د ولت‌مردان جمهوری اسلامی در این باره نیز سکوت کرده‌اند .

برای روشن شدن ترقای خیانتی، که به مصالح ملی شده و می‌شود، باید گفت، گاز ماده خام بسیار مهمی است . طرق استفاده از آن گوناگون است . از اینهمه گاز می‌توان هم صنایع پتروشیمی را در ایران پایه گذارد، هم برای ایجاد نیروگاه‌های حرارتی جهت تأمین نیروی برق مورد نیاز بهره گرفت و هم با لوله‌کشی مصرف گاز میلیون‌ها ایرانی را تأمین کرد .

گاز ایران می‌توانست پایه ایجاد صنایع داروسازی (برای تولید الکل نشادر، آسپرین، مواد معطر، کلرفرم، فرمالین)، صنایع ساختمانی (برای تولید شیشه ارگانیکی، پوشش‌شیرازی، تخته مصنوعی کف‌اطاق، انواع شمع، لوله، مواد عایق، مواد روکش)، صنایع کف‌کاشی و چرسازی (برای تولید رنگه‌ولاک، مواد دباغی، چرم مصنوعی)، صنایع شیمیایی (برای تولید مواد پلاستیک، کاغذچوبی مصنوعی، انواع رنگه‌ها، آمونیاک)، صنایع ریسنجی و بافندگی (برای تولید نخ مصنوعی) و غیره گردد .

بدیگر سخن گازیکه در گذشته سوزانده می‌شد و امروز هم سوزانده می‌شود، می‌توانست و می‌تواند تغییر بنیادی در ساختار صنعتی ایران بوجود آورد . ولی سیاست رژیم مخلوع‌شاه در جهتی بود، که امکان رشد تولیدات معدنی به قصد ایجاد صنایع تبدیلی را فراهم نیآورد . در این زمینه سیاست نواستعماری امپریالیسم نیز نقش مخربی ایفا نمود . با کمال تأسف ایمن سیاست امروز نیز بطریقی ادامه دارد . روزنامه " پراودا " در شماره ۱۵ و ۱۶

۱۹۸۳ مقاله‌ای درباره همکاریهای اقتصادی میان ایران و اتحاد شوروی منتشر ساخت، که در آن به موضوع گاز نیز اشاره شده است . این روزنامه می‌نویسد:

" در سال ۱۹۶۵ ایران از اتحاد شوروی تقاضای کمک برای استفاده از بخشی از گاز همراه نفت کرد . اتحاد شوروی که خود دارای ذخایر عظیم نفت است، نیازی به خرید گاز نداشت . ولی اتحاد شوروی با توجه به اصل حسن همجواری موافقت کرد، که بهای ماشین آلات صنعتی و خدمات فنی از طریق صدر گاز ایران به جمهوریهای ماوراء قفقاز شوروی پرداخت گردد . پس از امضاء موافقتنامه، ساختمان لوله‌گساز سرتاسری بطول ۱۰۰۰ کیلومتر آغاز شد . بخش شمالی لوله گاز با شاخه آن به تهران، که حدود ۶۰۰ کیلومتر بود، با همکاری اتحاد شوروی احداث گردید . ساختمان لوله گاز سرتاسری امکان آنرا داد، تا شهرهای تهران، اصفهان، شیراز، قزوین و مؤسسات صنعتی در طول لوله سرتاسری نیز با گاز تأمین گردند .

روزنامه " پراودا " سپس خاطر نشان می‌سازد:

" از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ ایران حدود ۷۲ میلیارد متر مکعب گاز همراه نفت تحویل اتحاد شوروی داد . بدینسان ایران، بهای ماشین آلات صنعتی و خدمات فنی احداث مجتمع فولاد اصفهان، کارخانه ماشین‌سازی اراک، سدارس، سیلوا، مراکز آموزشی و برخی دیگر از مؤسسات صنعتی را پرداخت . چنین شکل تسویه حساب به ایران امکان داد، که بدون صرف ارز خارجی رشته‌های گوناگون اقتصادی را بوجود آورد . خریداران دیگر گاز وجود نداشتند و بنابراین در این سالها ۲۵۰ میلیارد متر مکعب، یعنی ۳/۵ بار بیش از گاز صادره به اتحاد شوروی سوزانده و هدر داده شد .

معامله نامبرده هم برای ایران و هم برای اتحاد شوروی سود آوریود . در عین حال بموجب این موافقتنامه، قرار بود در صورت افزایش و کاهش بهای نفت سیاه در منطقه خلیج فارس بهای گاز نیز به تناسب تغییر کند . در فاصله دهسال بهای گاز حدود ۱۳ بار افزایش یافت؛ در حالیکه بهای ماشین آلات اتحاد شوروی، که قراردادهای آنها قبل از آغاز تحویل گاز امضاء شده بود تغییری نیافت و ثابت ماند ."

باج خواه کیست؟

چنین است واقعیتی، که متقدین فروش گاز به اتحاد شوروی یا سماجت از مردم ایران پنهان می‌دارند . آنانی، که مدعیند جمهوری اسلامی " جریان گاز خود را بروی شوروی بخاطر باج خواهی او بپست و حاضر نشد، بخاطر هرگونه ملاحظاتی گاز را به شمن بخش به شوروی بدهد، " آشکارا دروغ می‌گویند و حقایق را وارونه

جلوه گر می‌سازند .

باج خواه کیست ؟ آیا طرفی را، که طی دهسال بهای گاز ایران را ۱۳ بار افزایش داده است، بدون اینکه بهای ماشین آلات خود را دیناری افزایش دهد، می‌توان " باج خواه " نامید ؟ اگر این آقایان زحمتی بخود دهند و بهای ماشین آلات صنعتی را طی همان دهسال بررسی کنند، خواهند دید در آن مدت بهای آنها حداقل دویز افزایش یافته بود . سران جمهوری اسلامی بخوبی میدانند، که انحصارهای جهان " غرب " هیچگاه چنین گذشتی نمی‌کنند . در این مورد مجتمع پتروشیمی ایران - ژاپن گویا ترین نمونه است . تصادفاً مواد اولیه این موسسه صنعتی نیز گاز ایران خواهد بود . در موقع خود، ژاپنی‌ها بشرطی حاضر به ایجاد مجتمع پتروشیمی در ایران گردیدند، که ۵۰ درصد سهام به گروهی از کمپنیهای ژاپنی، بمرکردگی انحصار شهر " میتسویی " تعلق گیرد . فزون بر این، طرف ایرانی معامله متعهد گردید، که گاز مورد نیاز مجتمع را از قرار متر مکعبی کمتر از ۲۰ سنت آمریکائی محاسبه کند . و این واقعا تحویل گاز به شمن بخش است، که سود آن بطور صده به کیسه انحصارهای ژاپنی سرانبر خواهد شد . اگر در قرارداد هزینه اولیه اجرای طرح یک میلیارد دلار تعیین شده بود، بعد به تدریج با افزایش بهای ماشین آلات در بازار طرف ژاپنی نیز بهای طرح را به ۱/۸ میلیارد دلار افزایش داد . چندی پیش مدیر ایرانی طرح پتروشیمی ایران و ژاپن اظهار داشت، که ارزش طرح به ۳/۵ میلیارد دلار بالغ گردیده است . تازه این پایان کار نیست . زیرا ساختمان مجتمع هنوز خاتمه نیافته و طرف ژاپنی کفاکان به باجگیری ادامه می‌دهد . ۲۹ تیر ماه سال جاری مطبوعات ایران از قول خبرنگزاری ژاپنی " کیودو " نوشتند، هزینه اتمام پروژه پتروشیمی ۵۴۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار تخمین زده شده است . ایران همچنین موافقت خود را با بازپرداخت ۵۲۷ میلیون و ۴۰۰ هزار دلار دیون معوقه خود به گروه " میتسویی " که از ژوئیه ۱۹۷۹ آغاز می‌شود، اعلام کرده است . همین خبر حاکیست که گروه " میتسویی " جهت ارزیابی خسارات وارده بر این مجتمع، تکنسین‌هایی به ایران اعزام داشته است . حال چه مبلغی از بابت خسارات وارده طلب خواهد کرد، برای احدی روشن نیست .

گدایی از ژاپن امپریالیستی

اگر معامله ژاپن را با معامله اتحاد شوروی با ایران مقایسه کنیم، بسهولت می‌توانیم فرقی فاحش و نوع مناسبات اقتصادی و فنی را مشاهده کنیم . معامله اتحاد شوروی با ایران، چنانکه دیدیم، عادلانه، بر اساس سود متقابل و حتی گذشت یکجانبه از طرف اتحاد شوروی بود . ایران بود . در مقابل معامله انحصارهای ژاپنی غارتگرانه و صد در صد بضرر ایران است . ولی سران جمهوری اسلامی قرارداد غارتگرانه انحصارهای ژاپنی را، که گاز را به شمن بخش می‌دهد،

نکاتی چند پیرامون نظام اجتماعی - اقتصادی

شرایط تاریخی و اجتماعی و منطقی ایران است مسائل را حل می‌کنیم و ملت خود را بجلوی - بریم " (تهران اکونومیست " ، ۴ بهمن ماه ۵۴) .

چندی بعد وزیر دربار شاه طی سخنرانی در سمپوزیوم " روابط اقتصادی دولت و مردم " با استناد به گفته " آریایش لظهار دلشت : " اقتصاد و فلسفه اجتماعی ما از ایسم آزاد است " (همان مجله ، ۱۷ مه ۵۵) . بلندگویان تبلیغاتی رژیم مخلوع با استناد به این ترهسات ، به مردم وعده " تسدن بزرگ " و جامعه‌ای آید مآل بز پایه عدالت - اجتماعی وعده می‌دادند . آنها به توده‌های در بند اسارت سرمایه خصوصی داخلی و خارجی تلقین می‌کردند ، که گویا در ایران استعمار فردا فرد و طبقات آشتی ناپذیر وجود ندارد و گویا گروه‌های اجتماعی دارای حقوق برابرند و به خاطر منافع مشترک همه ملت با یکدیگر همکاری می‌کنند ! در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۵ شاه در پیام به " سومین کنفرانس کارگران " ضمن تشریح اجتماع ایران مدهی شده ، که " تناقضات اجتماعی در ایران حل شده است " (همان مجله ، ۱۱ اردیبهشت ماه ۵۵) . و ایسن در حالی بود ، که در کشور بدترین شکل مناسبات سرمایه‌داری - مناسبات سرمایه‌داری وابسته - حاکم بود و دولت ، به‌ثابه نماینده کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان ، حاکمیت را بدست داشت . سرانجام رژیم شاه برای احدی پوشیده نیست .

متأسفانه باید گفت امروز هم همان افسانه‌ها را ، این بار در لغافه کلمات و جملات مذهبی برای توده‌های زحمتکش می‌سرایند . امروز هم مانند د یروز منکر وجود طبقات در جامعه‌مانند و دولت را نماینده همه خلق و " امت مسلمان " معرفی می‌کنند .

در جامعه طبقاتی دولت نمی‌تواند ، خصلت همه خلقی داشته باشد . امت نیز همانند ملت از طبقات و قشرهای اجتماعی گوناگون تشکیل می‌شود . بهمین سبب می‌گویند ، دولت مکانیسم سیادت طبقات است . نکته اینجا است ، که این مکانیسم در اختیار چه کسانی است : در اختیار اکثریت مظلوم و یا اقلیت ستمگر ؟ بیسن حاکمیت زحمتکشان و حاکمیت سرمایه‌داران (بهر شکل و عنوانی) ، شق سومی وجود ندارد . در شق نخست القای حاکمیت و سلطه اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داران و دیگر بهره‌کشان مطرح است ؛ در شق دوم استقرار و سلطه آنها .

آنانیکه می‌اندیشند ، توده‌های زحمتکش از درك مسائل اجتماعی - سیاسی عاجزند ، سخت در اشتباهند . زحمتکشان کشور ما در جریان انقلاب یکشنبه ره صد ساله پیمودند . آنها خواهان احترام به حقوق دمکراتیک و اجتماعی و ایجاد تحول عمیق و بنیادی در کلیه شئون سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشورند .

نخست وزیر وقت در يك مصاحبه " رادیو - تلویزیونی در پاسخ سئوال خبرنگاری مبنی بر - اینکه " شما برای از بین بردن و حل مشکلات کشور خود بکدام يك از راه‌های موجود دنیا ، سوسیالیسم یا کاپیتالیسم متوسل می‌شوید ؟ " بدون ذره‌ای شرم گفت : " ما برای از بین بردن مشکلات و بردن کشور خود الگوی هیچ يك از رژیم‌ها و سیستم‌های موجود جهان را تقلید نمی‌کنیم و پا معیارها و مقیاس‌های میهن خود ، که مناسب

بقیه از صفحه ۹
های دمکراتیک و ما محترم شناختن حقوق دمکراتیک احزاب و سازمان‌های مترقی برآورد شده سازد . ناگفته پیداست ، که دولت مکانیسم حفظ سادات طبقه‌ای بر طبقه " دیگرنیست " ایسن اصل مسلم را نمی‌توان با سرهمبندی اتسواع " تئوریها " پرده پوشی کرد . در دوران رژیم مخلوع بسیار کوشیدند ، تا نظام حاکم را جدا از هرگونه " ایسم " معرفی کنند . شاه و اعوان و انصارش اصولاً وجود نظام سرمایه‌داری را در ایران منکر بودند . در اوایل سال ۱۳۵۴ ،

چگونه مصالح ملی فدای جلب حمایت امپریالیسم شد

حال به ثبوت می‌رساند ، که گاز ایران نه خریدار داشت و نه شرایط موجود اقتصادی امکان استفاده آنرا در داخل می‌داد . بنابراین ایسن ، چاره‌ای جز سوزاندن آن نبود . با قطع صدور گاز به اتحادشهری ، اینک همه گاز همراه نفست سوزا نده می‌شود . " پراودا " در مقاله نامبرده می - نویسد :

" از فوریه سال ۱۹۸۰ ، یعنی پس از قطع صدور گاز به اتحاد شوروی ، بیش از ۴۰ میلیارد متر مکعب گاز سوزانده شده است . حتی با قیمت سال ۱۹۷۹ ، که بحقیقه ایران نازل است ، پهای گاز سوزانده شده به ۴ میلیارد دلار بالغ میشد . "

سوزاندن و بهدر دادن ۴ میلیارد دلار طی سه سال و پنج ماه شاهکاریست ، که فقط از مقامات

بقیه از صفحه ۱۰
خرند و ماشین آلات خود را به چهار برابر قیمت اولیه بفروش می‌رسانند ، نه تنها ملغی نمی‌کنند ، بلکه چهار سال آزگار بهره‌گرفته باج خواهی ژاپنی‌ها با حقارت تن می‌دهند . و این روی دیگری سیاست " نه شرقی ، نه غربی " است ، که از مردم ایران پنهان نگاهداشته می‌شود . سیاستی که بتدریج به سیاست " نه شرقی ، فقط غربی " تبدیل می‌شود . تحقق این سیاست بود ، که سردمداران جمهوری اسلامی قرار داد صدور گاز به اتحاد شوروی را ملغی کردند . هر خواننده بیخبرش بطور وضوح می‌بیند ، که این اعمال سران جمهوری اسلامی در مجموع علیه مصالح ملی میهن ما است . چه نفعی از قطع صدور گاز در مرحله مشخص کنونی وضع اسفبار اقتصادی حاصل کشور گردید ؟ پیکره‌های زیرین تا اندازه‌ای بایسن سوال پاسخ می‌دهد .

سه‌م صادرات ، صرف و گاز سوزانده شده (به درصد)

سال	صادرات	صرف داخلی	سوزانده شده
۱۹۷۱	۱۷/۵	۲۵/۶	۵۶/۹
۱۹۷۲	۱۷/۷	۲۴/۶	۵۷/۷
۱۹۷۵	۲۴/۱	۲۷/۴	۵۱/۲

دولتی ایران می‌توان انتظار آنرا داشت . با این مبلغ ، کشور ما می‌توانست مجتمع فولادی نظیر کارخانه فولاد اصفهان احداث کند و نیازی به خرید فولاد از بازارهای ژاپن و اروپای غربی به قیمت گران نداشته باشد . ولی سران جمهوری اسلامی جلب حمایت امپریالیسم را به مصالح ملی ترجیح دادند .

پیکره فوق نشانگر آنستکه ، با افزایش صادرات از میزان گاز سوزانده شده نیز کاسته می‌شود . اگر در سال ۱۹۷۲ حدود ۷/۷ صدور - صد گاز همراه نفت سوزانده شده بود ، در سال ۱۹۷۵ با افزایش صدور آن ، میزان گاز سوخته شده به ۵۱/۲ درصد کاهش یافت . با وجود این ، سالانه بیش از نصف گاز همراه نفت سوزانده و بهدر می‌رفت . این ارقام در عین -

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !

در هفته ای که گذشت:

پیروی از این فکر که می توان با اسد ام معدودی، دیگران را از دست زدن به این کسل یازداشت، اشتباه است.

غارت ثروت های خلق، برکردن جیب چپا ولگران به حساب بیت المال، دزدی و احتکار و گرانفروشی، کار یک عده و یک پانده نیست، که با اهدام آنها، ریشه شان خشکانده شود.

ترویرسم اقتصادی، چیزی دیگری جز نظم حاکم بر بازار، بر بخش توزیع و بر کل سیستم اقتصادی نیست.

وقتی که آقای دادستان ویژه امور صنفی می گوید که "دادگاه انقلاب اسلامی حرف نمی زند، عمل می کند" آیا فطش در جهت حل ریشمای این معضل به عنوان معضلی اجتماعی - اقتصادی است یا به صدور احکام اسد ام و زندان در حق عدای که اسشان در رفته و علفشان بر ملا شده خلاصه می شود؟

تنها راه مبارزه با ترویرسم اقتصادی، مبارزه با نظام غارتگر سرمایه داری است، که موجد ترویرسم اقتصادی است!

سیاست پشت پرده

مقامات جمهوری اسلامی ایران، همواره از این داد سخن میدهند، که دولت جمهوری اسلامی به پیروی از سیاست "نه شرقی، نه غربی" خود هر آنچه را که صلاح مملکت میدانند انجام میدهند و به قدرت و جریانی ولستنگی ندارد! آنها مدعی اند، که از این طریق آنها از منافع کشور در برابر "نیروهای استکباری جهان" و "ابر قدرتها" دفاع می کنند.

اما واقعیت، با توجه به سخنان آقای علی آقا محمدی، نماینده همدان در مجلس شورای اسلامی، خلاف این ادعای دهان پرکن دست اندرکاران را به اثبات میرساند.

آقای علی آقا محمدی در سخنرانی پیش از دستور خود در جلسه پنجمین ۲۰ مرداد ۵۲ با اشاره به مسئله اختلافات مالی میان ایران و آمریکا، و نظر به اینکه این اختلافات می بایستی از طریق یک دادگاه بین المللی حل و فصل میشده، اظهار داشت:

"ما نمی توانیم ملت و مصالح ملت را بسه دست دادگاهی بسپاریم که دو نفر از داوران آن از جانب آمریکا تعیین شدند و آنها چنان توطئه کنند که آن بکنفری که باید با توافق ما باشد از سوی آمریکا تعیین شده و رأی غالب از آن آمریکا باشد!"

موضوع رسیدگی به اختلافات مالی میان ایران و آمریکا در بیانیه الجزیره به یک دادگاه بین المللی احاله شده است، ولی این دادگاه به یک دادگاه آمریکایی تبدیل می شود! بد و آنکه دولت جمهوری اسلامی اقدامی در مقابله آن انجام دهد. در حالیکه مقامات جمهوری اسلامی در قبال این جریان سکوت پیشه میکنند، از چهار گوشه جهان خیر میرسد که دولت جمهوری اسلامی ایران با توافق در این دادگاه به پرداخت فرامت به شرکت هسنمای آمریکایی، که گویا در جریان انقلاب "صدمه"

بقیه در صفحه ۱۳

به مقاومت هایی که در "جامعه" دستگامهای اجرایی "علیه تدوین چنین برنامه ای وجود داشته است اشاره کرد و اظهار داشت، که مخالفان حتی تدوین برنامه را بی فایده می دانستند و می گفتند که "قبل از ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) هر اقدام سازمان یافته و برنامه ریزی شده برای صلاح امت نه ممکن است و نه مفید".

وی همچنین اظهار داشت، که مخالفین برنامه ریزی کار را به "نامه پرکنی و شایعه سازی و تهمت زدن" کشته بودند. به گفته "آقای موسوی" آنها بی که در خط آمریکا حرکت می کردند برنامه ریزی را به عنوان یک اقدام آمریکایی (!) می گویند.

صرفنظر از این مخالفت های نیروها و عناصر ضد انقلابی، که در درون دولت نفوذ کرده اند با اصل برنامه ریزی، باید تأکید کرد، که تدوین فی - نفسه "برنامه" هیچ گزهی را از پای جامعه بحران زده ما نخواهد گشود.

باید دید جهت گیری عمومی در این "برنامه" چیست؟ معمولاً برنامه زمانی مفهوم خواهد داشت، که اصل مالکیت بر وسایل تولید روشن باشد، تا بتوان بر حسب آن برنامه ریزی کرد و در راه اجرای برنامه نیز گام گذاشت. گویا مقامات اجرایی ج ۱۰۱۰ و برنامه ریزان پیش خود، پیش شرط را بر حفظ نظم موجود و تحکیم آن گذاشته اند. هنوز تحولی در وضع مالکیت بر زمین انجام نگرفته، روند بازگرداندن کارخانه های ملی شده به بخش خصوصی ادامه دارد، هنوز بازگانی خارجی در دست بازاریان و تجار بزرگ است و همینطور رشته های دیگر اقتصادی.

در "برنامه" کنونی تکیه ای بر آن مواد قانون اساسی، که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بر دو بخش عمده دولتی و تعاونی، و بخش خصوصی به عنوان مکمل دو بخش اول، تقسیم کرده، انجام نگرفته است. همچنین راه و شیوه های اجرای برنامه روشن نشده است.

"راه توده" در این باره باز هم صحبت خواهد کرد.

تطهیر نظام غارتگر سرمایه داری

آنطور که روزنامه های مجاز ایران نوشتند، دادگاه امر صنفی تهران دو دزد آهن را بسه اعدام محکوم کرده است.

اگر چه مجازات تمام کسانی که با اینگونه اعمال در توطئه های ضد انقلابی و ضد مردمی شرکت کرده اند لازم و ضروری است، اما تنها با اعدام معدودی از غارتگران مطمئناً نمیتوان بسه حل مسئله احتکار و غارت و به مبارزه ریشمای با "ترویرسم اقتصادی" دست یافت.

"خطر شوروی"

ثمرات خود را بیار می آورد!

چنانچه طی روزهای اخیر اطلاع حاصل شد، وزارت دفاع آمریکا "پنتاگون" قصد دارد در ادامه سیاست تجاوز کارانه، خود در خاور میانه و منطقه خلیج فارس، پنج لشکر جدید پیاده نظام را برای استفاده در حوزه های نفتی خلیج فارس و انجام عملیات جنگی در شرایط کوهستانی ایران آماده سازد.

بر پایه این گزارش روزنامه واشنگتن پست می نویسد:

"این لشکرها باید بتوانند در هر منطقه ای که "منافع" آمریکا بخطر افتاد مداخله کنند." و اشاره می کند که این واحدهای نظامی در مرحله اول به منظور "دفع حمله روسها" در کوههای ایران تدارک دیده می شوند.

بطوریکه مشاهده میشود، امپریالیستهای آمریکا تلاش میکنند تا ماجراجویی های نظامی خود را با بخش تبلیغات موهوم "خطر شوروی" استار کنند.

امپریالیسم آمریکا، بویژه از آن جهت مترسک "خطر شوروی" را با شدت هر چه تاملتر در مقابل خلقهای کشورهای منطقه خاور نزدیک و میانه به حرکت می آورد، تا با کمک آن بتوانند این خلقها را مرعوب و راه تحکیم مواضع خود را هموار سازد. برای اولین بار نیست که آنها از این پهنا در زمین استفاده می کنند. امپریالیسم آمریکا تمام عملیات اسارتگرانه و غارتگرانه و تجاوزگرانه خود از تشکیل پیمانهای نظامی گرفته، تا گسیل سبیل اسلحه، تاراج منابع نفت، سرکوب خونین جنبشهای آزاد بیخشن، نقض استقلال کشورهای مستقل، افروختن آتش جنگ های محلی و ... راه همراه با مدین. در کرنای تبلیغات گوش خراش مقابل با "خطر شوروی" و "خطر کمونیسم"، انجام میدهد. امپریالیسم آمریکا امیدوار است، که با استفاده از هیستری ضد شوروی کنونی در ایران توجه مردم را از تدارکات روز افزون نظامی پنتاگون در نزدیکی مرزهای جنوبی ایران منحرف سازد.

راستگرایان افراطی نیز که سوار بر امواج شوروی ستیزی، سیاست غرب پسندانه خود را به پیش میبرند، در تلاش اند تا اجرای سیاست آمریکا در ایران آسانتر شود.

"برنامه اول پنجساله"

توسعه اقتصادی کشور

اولین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی کشور توسط دولت، تقدیم مجلس شورای اسلامی شد تا مورد بررسی قرار گیرد.

آقای نخست وزیر در سخنرانی خود در مجلس

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

دیده بودند، آغاز می‌کند و با واریز کردن مبلغ هنگفتی (۲۶ میلیون دلار) به حساب آمریکا " خسارات " وارده به آمریکا را جبران می‌سازد! اینجاست که آدمی به " حقانیت شعائر " نه شرقی، نه غربی " ادعایی مقامات جمهوری اسلامی، که میکوشند آن را به مردم القا کنند می‌برد!

"تغییر استراتژیک" یا ادامه سیاست گذشته؟

آقای علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در گفتگویی با رسانه‌های گروهی مجاز کشور، چگونگی شکل‌گیری مناسبات سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را با سایر کشورهای جهان تشریح کرد و مدعی شده که " بعد از انقلاب اسلامی دولت ج ۱۰۱۰ يك تغییر استراتژیک در روابط خود با کشورهای جهان بوجود آورده است " . اگر ادعای آقای ولایتی مبنی بر " تغییر استراتژیک در روابط " ایران با " کشورهای جهان " درست می‌بود، لازم بود که پس از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن سیاست خارجی ایران در جهت نزدیکی با کشورهای ضد امپریالیست جهان سیر می‌کرد . زیرا، همانطور که می‌دانیم ترکیب مناسبات ایران پیش از انقلاب با " کشورهای جهان " به سود سیاست وابستگی به امپریالیسم و همکاری با ارتجاع محلی بود . است . بنا بر این هرگونه تغییر استراتژیک باید به معنای سنگینی ضد امپریالیستی و همکاری با کشورهای مترقی باشد . بدون چنین تحولی در سیاست خارجی نمیتوان از تغییر استراتژیک این سیاست صحبت کرد . برای آشنایان به سیاست خارجی ج ۱۰۱۰، روشن است که این ادعا قدر با واقعیت ناسازگار است .

این تغییر استراتژیک در مجموع خود در هیچ مقطعی از انقلاب به وقوع نپیوسته است ؛ نه آزمانی که سنجایی، یزدی، بنی‌صدر و یا

قطب زاده معدوم سکان سیاست خارجی ایران را در دست داشتند و آنرا با قطب‌نمای " واشنگتن " می‌چرخاندند، و نه اکنون که آقای ولایتی مأمور اینکار است !

نه تنها تخمیری کیفی در جهت‌گیری سیاسی جمهوری اسلامی ایران به وقوع نپیوسته است، بلکه همان سیاست قدیم با رنگ تازه‌ای پوشانده شده و با شعارهای توخالی و ادعای " نسه شرقی، نه غربی " ادامه داده می‌شود .

اگر حرکت سیاسی و مشی سیاسی " يك کشور، مبنای ایجاد روابط سیاسی آن است، پس کدام حرکت و مشی سیاسی، ترکیه و پاکستان " آمریکا و ناتوزده "، امپریالیسم ژاپن و اکثر کشورهای اروپای غربی، که عضو پیمان تجاوتو نیز هستند، باعث آن شده است که ج ۱۰۱۰ مهم-ترین روابط را با آنان ایجاد کند ؟

فقط در چهار چوب تد اوم این سیاست خارجی فاجعه انگیز برای میهن ما است، که مسئولان جمهوری نوپا، دانسته یا ندانسته به عامل تبلیغات امپریالیستی تبدیل می‌شوند .

آقای رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با وزیر دفاع به پیروی از این سیاست خارجی تحمیل شده به جمهوری اسلامی ایران است، که به تکرار تبلیغات رسانه‌های گروهی امپریالیستی می‌پردازد و می‌گوید:

" موشکهای ابر قدرت ها ژاپن و اروپا و چین را نشانه گرفته‌اند " (کیهان ۲۲ مرداد ۶۲) . این بیان ادعای امپریالیسم آمریکا است، که مدعی است، که گویا موشک های شوروی کشورهای هم پیمان او را در اروپای غربی و ژاپن تهدید می‌کند . امپریالیسم آمریکا می‌خواهد با سوء-استفاده از این تبلیغات بر لزوم استقرار موشک های بالدار خود در اروپای غربی پا فشاری کند و علیرغم موج عظیم تظاهرات و پرخاش خلقهای اروپایی و آمریکایی علیه سلاحهای اتمی و استقرار این موشکهای آمریکایی در اروپا به این اقدام جنایتکارانه و جنگ طلبانه دست یزند . ایمن نکه نیز شایان توجه است، که تبلیغات امپریالیستی مدعی است، که عقب بردن موشکهای شوروی از سرزمین اروپایی آن " امنیت چین " را به خطر می‌اندازد . و آقای رئیس مجلس شورای اسلامی نیز همین ادعا را تکرار میکند .

"کانون خانواده‌های زندانیان توده‌ای"

رفقای عزیز، ما جمعی از افراد خانواده‌های زندانیان توده‌ای، اقدام به تشکیل کانونی به نام " کانون خانواده‌های زندانیان توده‌ای " نمودیم، تا در ارتباط با فعالیت‌های دیگری که در کشورهای خارج، برای دفاع از جان بستگانمان و دیگر مبارزینی که در زندانهای ج ۱۰۱۰ گرفتارند، انجام میشود، به فعالیت گسترده‌ای بپردازیم .

ما از تمام دوستان و هواداران حزب، که عزیزانشان در بند ج ۱۰۱۰ اسیرند تقاضا برای ما ارسال دارند .

گفتند...

دیدیم...

" به عمل کار برآید، به سخنرانی نیست "

گفتند: " سند، دست پینه بسته دهقانان است " **دیدیم:** سند، همان سند ساختگی بزرگ مالکان است!

گفتند: " عرق کارگر از خون شهید برتر است " **دیدیم:** آنچه فدای " سرمایه " می‌شود، خون شهید و عرق کارگر است!

گفتند: " هر که انقلابی است، پیش است " **دیدیم:** معیار، تسبیح و ریش است!

گفتند: " به فرموده اسلام: زگهواره تا گور دانش بچوی " **دیدیم:** در دانشگاه را بستند و گفتند: زندانگاه و علم چیزی مگویی!

گفتند: " سال، سال قانون است " **دیدیم:** سال، سال شتار و خون است!

گفتند: " سال، سال مستضعفان است " **دیدیم:** سال، سال مستکبران است!

گفتند: " احزاب اگر توطئه نکنند، آزادند " **دیدیم:** با توطئه، هر احزاب آزاد، بند نهادند!

گفتند: " شیاطین بزرگ و کوچک، بدند " **دیدیم:** با شیاطین رنگارنگ در داد و ستدند!

گفتند: " جنگ چیز خوبی است " **دیدیم:** این را دیگر " راست " می‌گویند و عمل هم می‌کنند . جنگ فی الواقع هم چیز خوبی است . . . البته برای " بزرگ شیطان " و کلان سرمایه‌داران و راست گرایان !

نامه خوانندگان

نامه‌های فراوانی به " راه توده " می‌رسد . نویسندگان آنها، از دوستان و هواداران حزب احساسات آتشین خود پیرامون دستگیری، شکنجه و قتل تود مایها و خطر عظیمی که موجودیت انقلاب را تهدید می‌کند، ابراز داشته و یا نکات جالبی را برای بهبود کار ما متذکر میشوند .

منوچهر، از بریتانیا، نامهای تحت عنوان " درود آتشین به زندانیان توده‌ای " به " راه توده " نوشته، که در آن به تبلیغات مسموم کننده و ریاکارانه امپریالیسم و ارتجاع علیه حزب توده، ایران و ضرورت مقابله با آن اشاره شده است .

رفیق عزیز س . م . نامه پر احساس شما رسید . ما نیز همچون شما معتقدیم که " حزب " را که این چنین با هستی انسانها در آمیخته نمیتوان از بین برد .

حسین م . نامه شما از پاریس رسید .

خلق رانمی توان با صدای طبل تو خالی به گمراهی کشاند!

بقیه از صفحه ۱

صد راه انداختن بی محتوا است - زیرا : اهداف سیاسی - اقتصادی و اجتماعی این انجمن ساواک ساخته در ماههای اخیر نقش بیشتر و بیشتری در سیاست حاکمیت ج ۱۰۱۰ ایفا کرد و اکنون علاوه بر سیاست دولتی تبدیل شده است!

دفاع از بزرگ زمین داری و بقایای فئودالیسم و نظام خان خانی که با رد کردن قانون نیم بند اصلاحات ارضی توسط شورای نگهبان به اوج خود رسید؛

- حفظ مناسبات سرمایه داری،

که "برنامه" پنج ساله اعلام شده توسط دولت برای آنها سیاست نمونه وار است،

- پشتیبانی از غارتگری تروریست

های اقتصادی که رد کردن قانون بازگانی خارجی دولتی توسط شورای نگهبان و مخالفت با نظام توزیع داخلی مردمی و تحت کنترل و نظارت دولتی در کابینه و مجلس و شورای نگهبان بیان آن است .

- سیاست کارگرسنجی و هموار کردن راه استثمار افسار گسیخته کارگران، که در پیش نویس قانون کار کذائی توکلی و شرکا تبیین می یابد،

- نقض حقوق و آزادی های دموکراتیک صرح در قانون اساسی و ایجاد جو ارباب و وحشت و خفقان بر جامعه که با سرکوب همه دگر اندیشان تحت عنوان تودهای مقداتی و مجاهد اجرا می شود، همه آن اهدافی را تشکیل می دهد، که توسط نمایندگان با نام و بی نام این

انجمن ساواک ساخته اعلام شده بود و اکنون با تسلیم طلبی مدعیان " دفاع " و " کمک " به " مستضعفان " در حاکمیت به سیاست عمومی دولتی ارتقاء یافته است!

در صحنه خارجی نیز سیاست این انجمن به سیاست حاکم بر جمهوری نیا تبدیل شده است :

- نزدیکی به غرب " اهل کتاب " ؛
- " دوستی و مودت " با کشورهای آمریکا و کودتا زد هائی از نوع ترکیه و پاکستان ، زده ای .

- مغالزه روز افزون با امپریالیسم ژاپن و امپریالیست های اروپائی ،

- سرآشتی داشتن با امپریالیسم آمریکا ،

- شوروی ستیزی عنان گسیخته
خط به خط و نقطه به نقطه اهدافی را تشکیل می دهد ، که انجمن حجتیه برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دنبال می کند و امروز بطور کامل به برنامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است .

کویدن طبل تو خالی

جنبه دیگر بی محتوی بودن کویدن بر طبل تو خالی " مبارزه با انجمن حجتیه " از این واقعیت ناشی می شود، که دستان نامرئی پشت پرده " سیا " و " ساواک " در این انجمن خیلی زود تر از دن کیشوت های خواهان مبارزه با این انجمن، به فکر جابجا کردن مهره های خود و نفوذ عناصر خود در نهادها ، احزاب و مراکز قدرت افتادند . تقسیم شدن " حجتیه ای " ها به " توپین " " عباد الصالحین " و " حجتیه ای های ناب " بمنظور اعمال همین سیاست انجام شد . تردیدی نیست که از این طریق ، حضور و نفوذ این عناصر در نهادها ، دولت ، مجلس ، شورای نگهبان و حزب جمهوری اسلامی به موقع تأمین و زمینه تدویم فعالیت خرابکارانه این انجمن به اشکال دیگر ایجاد شده بود .

نطق آقای خزعلی ، عضو شورای نگهبان قانون اساسی ، در دفاع از " انجمن حجتیه " در آبان ماه ۱۳۱۱ ، در محل حزب جمهوری اسلامی مشتی از خروار است و فقط نوك كوه بیخ نفوذ این عناصر را در این حزب بر ملا می سازد ، که چنین نطقی را در آنجا ممکن ساخت .

لذا مبارزه واقعی با انجمن حجتیه ، جز مبارزه با سیاست انقلاب برانداز این انجمن نمی تواند باشد . در غیر اینصورت این " مبارزه " جز کویدن بر طبل تو خالی بمنظور خاک پاشیدن به چشم زحمتکشان نخواهد بود .

زحمتکشان میهن ما با شم انقلابی خود این " جنگ زرگری " و دن کیشوت وار را با " انجمن حجتیه " تشخیص داد ماند و به چاله القاتل مبارزه با " سایه " خط راستگرا نخواهند افتاد!

در گواتمالا باز هم ژنرالها به دستور " واشنگتن " جابجا شدند

روز هشتم اوت در گواتمالا بار دیگر کودتای نظامی رخ داد . ژنرال ریوس مونت ، پس از زد و خورد هائی ، که منجر به مرگ نه تن و زخمی شدن ۲۰ نفر گردید مقام ریاست جمهوری خود را به ژنرال اسکار ویکتورسی ، فرمانده کل نهر و های مسلح گواتمالا ، تسلیم کرد . درست در ماه مارس سال گذشته بود ، که ژنرال ریوس مونت در مقام فرمانده کل قوا علیه ژنرال آنیبال گوارا کودتا کرد و او را از مقام ریاست جمهوری برکنار نمود . دو سال یکبار به اشاره " واشنگتن " ژنرالها جابجا می شوند ، ولی ماهیت حکومت فاشیستی و وابسته این کشور کوچکترین تغییری نمیکند . روشن است ، که برای انجام هر کودتا بهانه های هم می تراشند . ژنرال مونت متهم شده ، که میخواست است ، در ارتش تفرقه ایجاد کند و یک دیکتاتوری شخصی نزدیک به کلیسا بوجود آورد . معلوم میشود این آدمکشان حرفهای نژاد پرست در گواتمالا گرایشهای مذهبی عمیقی هم دارند .

در واقع ، اتفاق مهمی در گواتمالا ، این کشور بسیار عقب مانده در آمریکای مرکزی ، روی نداده است . یک رژیم ارتجاعی دیکتاتوری با یک رژیم ارتجاعی دیکتاتوری دیگر جانشین شده و لسی کمونیسم ستیزی عنان گسیخته و سیاست کشتار جمعی سرخ پوستان بدون هیچگونه تغییری به جای مانده است .

حاکمان تازه گواتمالا اعلام کرد مانده ، که پس تمام قوا در جهت بهبود و گسترش مناسبات " واشنگتن " خواهد کوشید! " خبرگزاری فرانسه " اطلاع داده است ، که در آستانه کودتا ، محافل حاکمه آمریکا آشکارا از ژنرال ریوس مونت ابراز ناخشنودی میکرد ماند . زیرا او تمام آنچه را ، که " واشنگتن " از او میخواست ، انجام نمیداده است . از این جهت است ، که دانیل ارتگا ،

هماهنگ ساز شورای رهبری دولت بازسازی ملی نیکاراگوئه کودتای جدید در گواتمالا را بعنوان گم تازهای در راستای گسترش تجاوز آمریکا علیه نیکاراگوئه ارزیابی کرد . آمریکا میخواهد وضعی بوجود آورد ، که بتواند شرکت گواتمالا را در تجاوز به نیکاراگوئه وسیعتر کند . امپریالیسم آمریکا میکوشد راه هر گونه مذاکراتی را برای حل مسالمت آمیز مسائل آمریکای مرکزی سدود نماید . جنبش مقاومت گواتمالا ، پس از کودتا طی اعلامیهای اراده ، خویش را برای هر چه فعالیت کردن مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری اعلام کرد و افزود ، که تمام مانورهای سیاسی در گواتمالا توسط محافل " واشنگتن " دیکته میشود .

ژنرال ویکتورس ، رئیس جمهور جدید گواتمالا ، مانند اسلافش یکی از دست پروردگان آمریکاست او کسه اکنون ۵۲ ساله است ، تصمیمیلات نظامی خود را در آکادمی " آمریکاس " ، متعلق به آمریکائیه در منطقه کانال پاناما انجام داده است . رهبری ارتش گواتمالا ، که در مورد ترور خونین در کشور مسئولیت مستقیم دارد ، از صحر تا ذیل از عناصری نظیر پونت و ویکتورس تشکیل شده است . این ارتش از یک دستگاه تزیینی بخیلی سازمان یافته برخوردار است ، که چه مستقیما و چه توسط باند های شبه نظامی ، مخالفان خود راه ، که مخالفان امپریالیسم آمریکا نیز هستند ، نابود می کند . این دستگاه تزیینی با سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا سیا ، پیوند مستقیم دارد .

چنین بنظر میرسد ، که رئیس جمهور تازه گواتمالا باز هم بیشتر کشور را بسوی راست خواهد کشاند و وظایف مشخص تری را در جهت اجرای نقشه های " واشنگتن " در آمریکای مرکزی بعهده خواهد گرفت .

شرکت روزافزون محافل مرفقی بین المللی در جنبش همبستگی با زندانیان توده‌ای!

بقیه از صفحه ۵

سیاسی و فردی است و عدم اجرای مواد مرفقی دیگر این قانون در مسائل بنیادی اقتصادی، از جمله دولتی نمودن بازرگانی خارجی، انجام اصلاحات ارضی و غیره... تنها به بازگشت امپریالیستها به ایران، بازگذاوردن دست سرمایه‌داران داخلی در اجحاف هر چه بیشتر زحمتکشان و در نهایت، به ورطه شکست کشتیدن انقلاب ایران میانجامد.

این اعمال، نگرانی مردم مرفقی هندوستان را شدیداً برانگیخته است و ما باز هم با نگرانی این نامه، به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران هشدار میدهم، هر چه زودتر، با اجرای صریح قانون اساسی در مورد تخفیرات بنیادی، بنفع زحمتکشان و رعایت حقوق دمکراتیک شهر وندان و آزادی احزاب سیاسی، از روند ناپودی انقلاب ایران جلوگیری نمایند و به شکنجه رهبران و اعضای حزب توده، ایران خاتمه دهند و آنان را از زندان آزاد نمایند.

شخصیتهای مرفقی بریتانیا بحران انقلاب را افساء می‌کنند!

در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۸۳ بنا به دعوت دانشجویان هوادار انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی ایران در دانشگاه "برونسل" در انگلستان جلسهای در دفاع از زندانیان توده‌ای به ابتکار "کمیته دفاع از انقلاب ایران" به نمایش گذاشته شد.

در این جلسه آقای دیک ایکلند از اعضای مرفقی حزب کارگر پس از ذکر نمونه‌هایی از تجربه خلق های جهان پس از انقلابات رهائی بخش، از جمله گفت:

"نخستین سالهای پس از پیروزی این انقلابات سرنوشته ساز است. چنانچه مسئولان برنامه‌های برای یازسازی نداشته باشند تا به مردمی، که انقلاب را به ثمر رسانیدمانند، ارائه دهند، مخلاف ایجاد می‌شود و بحران قبیل از انقلاب ادامه می‌یابد. تمایلی طبیعی مسئولان این خواهد بود، که به تنها برنامه‌های، که می‌شناسند، یعنی برنامه همان رژیم که آنرا برانداخته‌اند، رو بیاورند. از اینجست است که تمام سعی امپریالیسم پس از انقلابات، ایجاد نفرت و جلوگیری از اجرای برنامه‌های جدید و از بین بردن احزابی است، که برنامه‌های قابل اجرا دارند. در ایران نیز امپریالیسم و ارتجاع که هراس دارند، مخلاف ایجاد شده، توسط حزب توده، ایران پرشود، مجدداً همانگونه که در سال ۵۳ اتفاق افتاد به این حزب حمل بردماند."

برگزاری موفق آمیز این جلسه همبستگی با زندانیان توده‌ای، و موضع افشاگرانه نیروهای مرفقی شرکت‌کننده در آن در مقابل جو اختناق

کشور شما، شدیداً اعتراض می‌کنیم. این مبارزان اصیل را آزاد سازید و انقلاب را از ورطه ناپودی برهانید!

● سازمان فرهنگی و خلق آثار هنری ناحیه مارکه (آنکونا)، ضمن مخابره تلگرافی به سفارت ج ۱۰۱۰ اعتراضات شدید خود را نسبت به اعمال تشییقات در مورد حزب توده، ایران و رهبران و اعضای آن اعلام داشته، آزادی ایسن مبارزان را خواستار گردیده است.

● گروهی از حقوقدانان، قضات و نیز دادستان آنکونا، نگرانی شدید خود را در مورد دستگیری کادر رهبری حزب توده، ایران ابراز نموده و همبستگی صیق خود را با مبارزان توده‌ای دژ بند اعلام نموده‌اند.

● سندیکای کارگران فلزکار آنکونا و ناحیه مارکه، تلگرامهای اعتراضی به مقامات ج ۱۰۱۰ مخابره کرده که ضمن آن بنام کلیه کارگران منطقه، اعمال روشهای وحشیانه در مورد شخصیتهایی چون رفیق کیانوری و طبری و سایر مبارزان توده‌ای را محکوم و آزادی بلاد رنگ آنان را خواستار گردیده است.

● شهرداری فرارا، طی ارسال تلگرامهایی به سفارت ج ۱۰۱۰ در رم و وزیر امور خارجه ایتالیا نگرانی خود را در مورد سرنوشته رهبران و اعضای حزب توده، ایران ابراز داشته، خواستار دخالت دولت ایتالیا بمنظور آزاد ساختن این رفقا گردیده است.

● جمعیت پارتیزانهای ایتالیا در فرارا، به ریاست الیویسی، ضمن ارسال تلگرامهای اعتراضی به ریاست جمهوری، نخست وزیر و سفیر ج ۱۰۱۰ در واتیکان، اعمال روشهای غیرقانونی و ضد بشری در مورد رهبران و اعضای حزب توده، ایران را که بسیاری از آنان از شخصیت های علمی - ادبی و هنری این کشور میباشند، شدیداً محکوم کرده، خواستار رعایت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آزاد ساختن این مبارزان گردیده است.

و فشار و شکنجه علیه حزب ما، جواب دندان شکنی نیز بود به آن عواملی که قصد جلوگیری از برگزاری آن را داشتند.

"کمیته دفاع از انقلاب در بریتانیا، به منظور دعوت عموم برای شرکت در جلسه نمایش فیلم "اقرار" و افشای جنایات اعمال شده توسط "ساواک" در خدمت جمهوری اسلامی، پوسترهایی را به دیوارهای دانشگاه "برونسل" (در انگلیس) و حوالی آن نصب کرده بود که هدفی از طرفداران راستگرایان حاکم در ج ۱۰۱۰ کوشش کرد تا با جمع آوری اوراق اعلام نمایش و نکند پوسترهای آن، از اطلاع دیگر دانشجویان از نمایش این فیلمها که به تف سریالایی برای "کارگردانان اصلی آن در تهران و اوین تبدیل شده است، جلوگیری کنند."

ایتالیا

● سندیکای کارکنان مدارس، وابسته به "فدراسیون عمومی کار" در استان ونتو، طی مخابره تلگرافی به سفارت ج ۱۰۱۰، یورش به حزب توده، ایران و مبارزان توده‌ای را توهینی به سنتهای انقلابی در جهان دانسته، خواستار اعزام هر چه سریعتر هیأتی به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان و برگزاری محاکمات علنی یا حضور ناظرین بین المللی گردیده است.

● سندیکای بازنشستگان، وابسته به "فدراسیون عمومی کار" در استان ونتو، طی تلگرامی که به سفارت ج ۱۰۱۰ در رم مخابره نموده است، از جمله مینویسد:

"ما کارگران بازنشسته، شکنجه‌های فاشیسم را بخاطر داریم و از اینرو به دستگیری و شکنجه نورالدین کیانوری و سایر مبارزان حزب توده، ایران، قدارترین انقلابیون ضدامپریالیست

نامه "حزب کارگری کمونیستی سوئد" (بخش مولندال) به سفارت ایران در سوئد:

به سرکوب و شکنجه توده‌ای‌ها پایان دهید!

خواهیم، تا بجای شکنجه اعضای حزب توده ایران، با آنها همکاری کنند. ما توده‌ایها را بنشانه انقلابی‌هایی نیک می‌شناسیم، که از امام و انقلاب ضدامپریالیستی به دفاع برخاستند. اتهام جاسوسی تنها میتوانست انتهای دروین باشد.

ما همچنین در گفتگوهای خود با دیگر نیروهای ضدامپریالیستی و غیر کمونیست شهر خویش در یافتیم، که آنها نیز هم آوا یا مسا برآند، که انقلاب ایران تنها هنگامی می‌تواند از پشتیبانی بیوسسته و فزاینده مردم سوئد برخوردار شود، که سرکوب و شکنجه توده‌ایها پایان یابد.

چندی پیش "حزب کارگر کمونیستی سوئد" نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی ایران در سوئد فرستاد، که در آن آمده است:

"چنانکه ما خبر میرسد، اعضای حزب توده، ایران هدف سرکوب و شکنجه قرار گرفتند. این واقعیت را میتوان از جمله در برنامه‌های تلویزیونی دیده که نورالدین کیانوری در آنها به جاسوسی، اعتراف می‌کند.

سازمان تصمیم گرفته است، که از اینسرا، اعتراض خود را نسبت به سرکوب رهبران حزب توده، ایران ابراز دارد. ما همچنین خواهیم کوشید، تا هر چه بیشتر مردم شهر خود را به اعتراض برانگیزیم. ما از سفارت (جمهوری اسلامی) ایران در سوئد و رهبران ایران می -



اتحاد شوروی، پیگیر در امر تحکیم امنیت

رفیق آندرویف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با گروهی از سناتورهای آمریکائی دیدار و گفتگو کرد. طی این دیدار رفیق آندرویف گفت اتحاد شوروی خواهان برقرار کردن آنچنان روابطی با ایالات متحده آمریکا است که مناسبات عادی و خوب و پایدار میان دو کشور تأمین کند، که بسود صلح عمومی خواهد بود. اما این مناسبات اکنون نه بگناه اتحاد شوروی، در تمام زمینها وخیم شده است. اگر کسانی نزد خود حساب می کنند که در شرایط یک بازی بدون قاعده میتوانند برتری خود را نسبت اتحاد شوروی تأمین نمایند دچار اشتباه خطرناکی هستند.

پس از تأکید بر اینکه خیلی چیزها وابسته به این است که آیا در مذاکرات زنوراه حل مورد توافق طرفین یافته خواهد شد یا نه رفیق آندرویف افزود که استقرار موشک های آمریکائی پرشینگ و موشک های بالدار در اروپا، پیامد های پایداری خواهد داشت که بطور اجتناب ناپذیر خود ایالات متحده آمریکا را هم در بر خواهد گرفت.

یوری آندرویف گفت: " اتحاد شوروی بر این عقیده است که باید در مورد منوعیت هرگونه تدارک استقرار جنگ افزار در فضای کیهانی که بسوی زمین یا هدف های هوایی و کیهانی متوجه باشد به توافق برسیم." ضمناً دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تصمیم بسیار مهمی را

از جانب رهبری اتحاد شوروی اعلام کرد: " اتحاد شوروی متعهد میشود که در مورد استقرار هرگونه جنگ افزار ضد ماهواره ای در فضای کیهانی پیشدستی نکند. یعنی اعلام مراتبیم یکجانبه در مورد استقرار آنها مینماید، تا هنگامیکه دولتهای دیگر و از جمله ایالات متحده آمریکا از استقرار هرگونه جنگ افزار ضد ماهواره ای امتناع نکنند."

"یگانگی میهن پرستان پینوشه را سنگون خواهد کرد."

لوتیس کوروآلان دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی، طی مقاله ای در روزنامه اسپانیائی " ال پائیس " مینویسد: " زوال حکومت فاشیستی در شیلی اجتناب ناپذیر است، اما زمان آن بسته به گفتگوهای خواهد بود، که باید میان همه نیروهای میهن پرست و مخالف رژیم صورت پذیرد. تسرور بیرحمانه مردم توسط نظامیان رژیم فاشیستی در چهارمین روز اعتراض ملی نشان داد، که بدون برکنار کردن پینوشه در شیلی نمی تواند صحبتی از دموکراسی بمیان آید.

وحدت عملی، که طی روزهای اعتراضی در میان نیروهای میهن پرست بوجود آمده، بحقیقه رفیق کوروآلان، میتواند پایه ای برای تشکیل دولتی باشد، که اعاده دموکراسی در کشور را بعهده بگیرد.

در میان نیروهای مخالف رژیم کسانسی هستند، که میکوشند دولتی بدون کمونیست تشکیل دهند. لوتیس کوروآلان گفت که کمونیست های شیلی میدانند که ترکیب دولت آینده نمیتواند جوابگوی تصورات ایدئال آنها باشد. ولیسی هنگامیکه کمونیست ها وضع سیاسی کشور و مجموعه مسائل موجود پس از سقوط دیکتاتوری فاشیستی را در نظر می گیرند، فکر می کنند، که شرکت تمام نیروهای مخالف رژیم بدون استثنا برای بازسازی کشور ضروری است.

فشار بر دولت لبنان افزایش می یابد

بقیه از صفحه ۷

وسایل تبلیغاتی خود را بکار گرفته است، تا به نا آگاهان تلقین کند، که امتناع سوریه از برسمیت شناختن این قرارداد مانع از خروج سربازان اسرائیلی از لبنان شده است.

دیگر برای کمتر کسی تردید وجود دارد، که هدف اصلی صهیونیست های اسرائیل، همدست های امپریالیسم آمریکا در خاور نزدیک اینست، که جنوب لبنان را به اشغال دائمی خود در آورند و مانند دیگر سرزمین های عربی بتدریج آنجا را ضمیمه اسرائیل نمایند. این نقشه خطرناک اسرائیلی - آمریکائی تنها با وحدت کشورهای عربی و مبارزه همه جانبه مسلحانه و سیاسی میتواند خنثی شود. فعلاً بار سنگین این مبارزه بدوش خلق های سوریه و لبنان و فلسطین است. کشورهای مستقل و ضد امپریالیست عرب نظیر جمهوری دمکراتیک خلق یمن، لیبی و الجزایر، خود گرفتار انواع توطئه های امپریالیسم در صحرا و چاد و مصر و عمان و سودان و سومالی هستند. رهبران بقیه کشورهای عربی نظیر مراکش، عربستان سعودی، مصر، اردن، سودان و غیره نه تنها در مبارزه علیه نقشه های امپریالیسم در منطقه شرکتی ندارند، بلکه خود بظاهراً دستیاران کشورهای امپریالیستی عمل می کنند. باین جهت، باید گفت، که آینده مبارزه در لبنان و اطراف آن هنوز نامعلوم است.

همبستگی با آزادی خواهان ترکیه

در کشورهای اروپائی صورت گرفته است. در تمامی این فعالیت ها خواست های زیر مطرح گردیده است:

- ۱- پایان بخشیدن به شکنجه و فشار در زندان ها،
- ۲- کمک پزشکی به بیماران و بهبود وضعیت بهداشتی و درمانی زندانها،
- ۳- دادن اجازه ملاقات به خانواده های زندانیان و وکلای مدافع آنان،
- ۴- انتقال زندانیان سیاسی از سلول های انفرادی به بند های عمومی،
- ۵- رفع ممنوعیت خواندن و نوشتن در زندانها " راه توده " همبستگی خود را با تمام زندانیان سیاسی انقلابی ترکیه اعلام می کند و از خوانندگان خود می طلبد، که به سهم خوش بیا نوشتن نامه های اعتراضی و ابتکارات دیگر، در این جنبش همبستگی شرکت کنند!

اخیراً ۷۰ هزار پانصد زندانی سیاسی در ترکیه، در زندانهای مختلف این کشور، جهت اعتراض به وضع اسفبار و جو خشونت آمیز حاکم در زندانها، دست به اعتصاب غذا زدند. دولت ترکیه، با توسل به قطع کمک های پزشکی و دیگر شیوه های تفتیقی، سعی در شکستن اعتصاب کرد.

اعمال و رفتار خشونت بار زندانبانان، جان زندانیان اعتصابی، از جمله یالچین کوچسوک نویسنده معروف ترکیه، موصداً سند یکای دیسک را جدا تهدید میکند.

این خطر وجود دارد، که خونتای ترکیه بر ای پایان بخشیدن به این اعتصاب و خاموش نمودن صدای حق طلبانه اعتصابیون، از دست یازیدن به هیچ چناییتی روی بگرداند.

جهت همبستگی با زندانیان اعتصابی به ابتکار آزاد یخواهان ترکیه فعالیت های مختلفی

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در

وین

هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

RAHE TUDEH

No. 56

Friday, 26. August 83

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM Italy	600	L.
France	3	Fr. U.S.A.	40 Cts.
Austria	8	Sch. Sweden	3 Skr.

